



کارگران جهان متحد شوید!

پنجشنبه، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۴
۱۹ مه ۲۰۰۵

۹

کارگر کمونیست

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm

بازجویی، تهدید و بازداشت فعالین کارگری را محکوم میکنیم

وزارت اطلاعات محسن حسن زاده فعال کارگری در کاشان را احضار کرد

صفحه ۱۵

جنبش افزایش دستمزد، گامهای بعد

شهلا دانشفر

صفحه ۴

چشم انداز و موقعیت جنبش ۳۵ ساعت کار

کاظم نیکخواه

صنایع ماشین سازی و فلز در قراردادهای جمعی به تصویب رسید اما رسماً به صورت قانون سراسری در نیامده بود. در هردوی این کشورها مساله پایین بودن قدرت

صفحه ۸

و دست کارفرمایان را برای ساعات طولانی تر کار باز کنند. در فرانسه حد اکثر ۳۵ ساعت کار در هفته از سال ۲۰۰۰ به قانون سراسری این کشور تبدیل شده بود. اما در آلمان قراردادهای ۳۵ ساعت کار از سال ۹۵ در بخشهای مهمی مانند

در چند ماه گذشته جنبش کارگری برای کوتاه کردن ساعت کار دو عقب نشینی را متحمل شد. در کشورهای آلمان و فرانسه دولت و کارفرمایان توانستند ۳۵ ساعت کار در هفته را که اواخر دهه نود قرن گذشته به اجرا گذاشته شده بود، تا حدی کنار بزنند

کارگران علیه سرمایه، و در پیشاپیش جنبش سرنگونی

نگاهی به اول مه سوسیالیستی در ایران

حمید تقوایی

تجمعات مستقل خود سرود انترناسیونال پخش کردند، علیه سرمایه و استثمار سخنرانی کردند و نظام سرمایه داری را بعنوان منشا مصائب کارگران و مردم زحمتکش محکوم نمودند. در گردهمایی ها و راهپیمایی های کارگران همه جا پلاکاردها و بنرها و پارچه نویسیهای متعددی علیه قانون کار اسلامی و شورایعالی کار و علیه استثمار و سرمایه به اهتزاز در آمد و در بیانیه ها و قطعنامه های متعدد کارگری نظام سرمایه داری محکوم شد و

صفحه ۳

اول مه امسال نقطه عطفی در جنبش کارگری و در جنبش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی بود. تحرك و عرض اندام کارگران در این روز هم از نظر وسعت و شکل و شیوه های اعتراضی و هم مضمون رادیکال و طبقاتی این اعتراضات در جنبش کارگری ایران بیسابقه بود و باید بعنوان آغاز پر قدرت حضور کارگران در صحنه سیاسی ایران به ثبت برسد. کارگران با پرچم شعارها و اهداف و مطالبات طبقاتی خود بمیدان آمدند، مراسم دولتی را بر سر خانه کارگر و رفسنجانی و کل حکومت اسلامی خراب کردند، در

کار را ما میکنیم، پول را آنها میبرند!

مصاحبه با حسن، کارگر کارخانه فیلور

صفحه ۵

کمپین برای آزادی فعالین کارگری

صفحه ۱۱

جماعتداران خانه کارگر و شوراها را باید از کارخانه ها بیرون انداخت

صفحه ۱۳

ضرورت ایجاد تشکلهای فراگیر در بخش ساختمان

مرتضی کیوان

جایگاه شکایت و قانون برای گرفتن حق کارگر

فاتح بهرامی

لمبنیم شورای اسلامی، نمایش زبونی بازنده ها!

فاتح بهرامی

صفحه ۲

کارگر کمونیست

پنجشنبه ها، دو هفته یکبار منتشر میشود

از این شماره، نشریه کارگر کمونیست هر دو هفته یکبار در روز پنجشنبه منتشر میشود. اوضاع سیاسی و موقعیت جنبش کارگری ایجاب میکند که کارگر کمونیست حتی در فاصله زمانی کوتاهتری منتشر شود و ما تلاش خواهیم کرد در اولین فرصت ممکن نشریه را هفتگی منتشر کنیم. رفقای کارگر: کارگر کمونیست نشریه شماست، برای آن بنویسید و نظرات خود را درباره مسائل مختلف جنبش طبقه کارگر برای نشریه ارسال کنید. لطفاً مطالب خود را به یکی از دو آدرس زیر ارسال کنید:

kargar_komonist@yahoo.com

fateh_bahrami@yahoo.com

آدرس صفحه کارگر کمونیست در اینترنت تغییر کرده. آدر جدید چنین است:

www.wpiran.org/kk-index.htm

اول مه ۲۰۰۵، در چهار گوشه جهان، علیه بی حقوقی کارگر

صفحه ۴

ناصر اصغری

زننده باد وحدت کمونیستی کارگران

صفحه ۹

کیانوش حمیدی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

لمپنیسم شورای اسلامی، نمایش زبونی بازنده ها!

فاتح بهرامی

رژیمشان را در خطر میبینند، ثانیاً در اول مه علاوه بر اینکه کارگران در استادیوم آزادی و تبریز به آنها فهماندند که چقدر نزد کارگران رسوا هستند، بلکه همچنین خواسته ها و سخنرانیها و قطعنامه های چپ و رادیکال اول مه تصویر روشنتری را از رادیکالیسم جنبش کارگری مقابل اینها قرار داد، و ثالثاً مساله مهمتر اینست که طبقه کارگر کلا دارد عرض اندام میکند و تشکیل مجامع عمومی، عروج رهبران رادیکال کارگری، و زمزمه و تحرکهای کارگران برای متشکل شدن، چشم انداز بیرون انداختن اینها را از محیطهای کار مقابلشان گشوده است. این آن واقعیاتی است که امثال محبوب و صادقی را به اینجا رسانده است که بدون روتوش نقش همیشگی و قدیمی خود را بعده بگیرند. بعبارت دیگر این یورش به کارگران شرکت واحد پيامی به کل کارگران دارد و آن گوشه کردن ظرفیت و نقش باند سیاهی خودشان است. دارند میگویند که پیشانی بندهای "یا شار الله" را میبندند و آماده اند همچون انصار حزب الله به ماموریت بروند. دیگر بصره نمیبینند که فقط اراجیفی را بعنوان "نماینندگان جامعه کارگری" و "متخصصین امور کارگری" بلغور کنند. اما کور خوانده اند. زبونی اینها از همین یورش که ۳۰۰ نفر اوباش راه افتاده اند تا با حضور نیروی انتظامی چند نفر کارگر شرکت واحد را زیر ضرب چاقو بگیرند، نمایان است. اوضاع مثل سابق نیست، برعکس است. دوره تعرض مردم آزادیخواه به کل حکومت و دوره قد راست کردن طبقه کارگر است. این تهدیدها بدادشان نمیرسد، کارگران اینها را از کارخانه ها بیرون خواهند انداخت. این مزدوران باید منتظر محاکمه خود بجرم جنایت علیه کارگران کمونیست و جاسوسی علیه فعالین و رهبران کارگری و شرکت در سرکوب خونین جنبش کارگری باشند. *

دستمزد نصف خط فقر ۱۴۶ هزار تومان را توی بوق کرده بودند. ثانیاً، تهاجم اخیر هم برای خود آی ال او و هم برای موقعیت اینها نزد آی ال او مایه دردسر است. آی ال او اگرچه روی کاغذ طرفدار تشکلهائی است که در عین غیر دولتی بودن همچنان کارگر را اسیر سرمایه نگه دارد و ابزار به سازش کشاندن کارگر و کارفرما باشد، اما در عمل عموماً از شوراهاى اسلامی حمایت کرده است. قبلاً همیشه اینها را بعنوان نماینده کارگران به اجلاسهای خود راه میدادند، و بجز سفر دور قبلی هیات آی ال او که بجای شوراهاى اسلامی انجمن های صنفی متعلق به برادران همین جماعت در حزب مشارکت را برسمیت شناخته بود، بار اخیر مجدداً و پس از شکست کامل دو خردادیها شوراهاى اسلامی را با تبصره هائی بعنوان نمایندگان کارگران ایران برسمیت شناخت. اما حرکت اخیر شوراهاى اسلامی، گذشته از توحش ضد کارگری آن، بخصوص بدلیل بهانه ای که مطرح کرده اند با مقاوله نامه های آی ال او در تضاد میافتد زیرا "غیر قانونی بودن" سندیکای شرکت واحد را به یک بند قانون کار مربوط کرده اند که بر اساس آن در يك واحد صنعتی و خدماتی تنها يك تشکل میتواند فعالیت کند که با وجود شوراى اسلامی در شرکت واحد وجود سندیکا را خلاف قانون دانسته اند. آی ال او حتماً زیر فشار قرار خواهد گرفت و باید قرار بگیرد که دست از همکاری با مزدوران رژیم اسلامی و برسمیت شناسی آنها بعنوان نماینده کارگران بکشد. در مجموع حرکت اخیر خانه کارگر و قانون عالی شوراهاى اسلامی میخ دیگری بر تابوت این جریان میکوبد. اما سردمداران خانه کارگر و شوراهاى اسلامی نه از عواقب این حرکت خود بی اطلاعند و نه خطری از جانب هیئت موسس سندیکای شرکت واحد متوجه خود دیده اند که روز روشن مجبور به این اقدام جنایتکارانه بشوند. مساله اینست که اینها اولاً کل موجودیت خود و

یورش سازمانیافته لمپنهای شورای اسلامی و خانه کارگر با حضور نیروی انتظامی و حمایت مدیریت شرکت واحد به هیات موسس سندیکای شرکت واحد در تهران هرچند به بهانه "غیر قانونی" بودن این سندیکا صورت گرفت اما عکس العملی به شکست مفتضحانه این جریان مزدور در اول ماه مه امسال است. استفاده از چاقو و چماق و مضروب کردن منصور اسانلو و دیگر مسئولین سندیکا و غارت اموال و اسناد آن با هدایت و دخالت مستقیم سردمداران خانه کارگر و کانون عالی شوراهاى اسلامی نشانگر نفرت این مزدوران از کارگران و بازتاب بی اعتباری و منفور بودن اینها در میان کارگران است. این تهاجم نمایش زبونی بازنده هائی است که در اول مه در استادیوم آزادی تمام تلاششان نقش بر آب شد و همگی شان به همراه پدرخوانده رفسنجانی بی آبروتر شدند. حسن صادقی رئیس کانون عالی شوراهاى اسلامی در توضیح این یورش به نکته درستی اشاره کرد، گفت که این دفاع از کيان شوراهاى اسلامی بود. چاقوکنشی و لمپنیسم و جاسوسی و ضدیت با کارگران از همان ابتدا کيان شوراهاى اسلامی بوده است. طبقه کارگر حتماً حساب این مزدوران را کف دستشان خواهد گذاشت. اما جریان شورای اسلامی و خانه کارگر از این ماجرا نه تنها نفعی نمیبرد که بیشتر از انتظارشان ضرر خواهند کرد. اولاً، اگرچه اینها هیچوقت جایی در میان کارگران نداشتند، اما ماسکی را که در چند سال اخیر به چهره خود زده بودند با این یورش تماماً کنار رفت و چهره واقعی خود را به کارگرانی هم که با گذشته اینها آشنا نبودند، شناساندند. این ماسک عبارت بود از "دفاع" از حقوق کارگر بر مبنای قانون کار ضد کارگری رژیم و ژست مخالفت با طرحهای خارج کردن کارگران ۵ و ۱۰ نفره از شمول قانون کار، و بخصوص در این اواخر نیز با هدف خودشیرونی برای آی ال او و رای جمع کردن برای رفسنجانی



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران
درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: فاتح بهرامی

Email: kargar_komonist@yahoo.com
Fax: 001 309 404 1794

مسئول اجرایی: ناصر اصغری

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

جلیل بهروزی

jalil1917@yahoo.com

شها دانشفرف

shahla_daneshfar@yahoo.com

حسن صالحی

hasan_salehi2001@yahoo.com

محمد مزرعه کار

sammymazraekar@yahoo.com

کاظم نیکخواه

k.nikkhah@ukonline.co.uk

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست.
درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی
تائید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

از صفحه ۱

نگاهی به اول مه سوسیالیستی در ایران



مطالبات پایه ای و سراسری کارگران مطرح گردید.

تحرك و عرض اندام کارگران در این روز هم از نظر مضمون رادیکال و طبقاتی شعارها و مطالبات کارگران و هم از نظر وسعت و شکل و شیوه های اعتراضی بروشنی نشاندهنده وزن و جایگاه تعیین کننده جنبش کارگری در تحولات سیاسی جاری است.

در عرصه مبارزه برای مطالبات رفاهی یکی از خواسته های سراسری مهم کارگران در تجمعات اول مه افزایش حداقل دستمزدها تا سطح ۴۵۰ هزار تومان بود. حول این خواست از چندین هفته قبل از اول مه تحرکات وسیعی در جنبش کارگری آغاز شده بود. امضا طومار چند هزار نفری کارگران کاشان، اعتصاب کارگران یخچال سازی فیروز و اعلام حمایت ۱۵۰۰ کارگر کشتی سازی بهشهر از خواست ۴۵۰ هزار تومان یک روز قبل از اول مه از جمله این تحرکات و پیشرویها بود. در اول مه جنبش اضافه دستمزدها با طرح ۴۵۰ هزار تومان حداقل دستمزد در اطلاعیه ها و بیانیه ها و قطعنامه های کارگری در تبریز و تهران و اهواز و آبادان و کرمانشاه گام بلند دیگری بجلو برداشت. مطالبه ۴۵۰ هزار تومان یک خواست صریح و روشن پایه ای جنبش کارگری علیه فقر است که در اول مه در یک سطح وسیع و سراسری از جانب بخش های مختلف کارگری مطرح شد. این شعار است که میتواند وحدت بخش کل طبقه کارگر و زمینه ساز اعتراض و اعتصاب سراسری کارگران علیه جمهوری اسلامی باشد. این شعار به خواست و نیاز حیاتی و میبرم کارگران برای ارتقای شرایط رفاهی و معیشتی خویش یک مضمون و محتوای تعرضی، روشن و مشخص و غیر قابل تفسیر و تحریف از جانب دولت و کارفرما، و قابل مطالبه برای همه کارگران در سراسر ایران

میبخشد و اول مه نشاندهنده خصلت وحدت بخش و سراسری این شعار بود.

جایگاه و اهمیت شعار ۴۵۰ هزار تومان حداقل دستمزد از سطح مبارزات رفاهی این طبقه بسیار فراتر میروید. خواست ۴۵۰ هزار تومان حداقل دستمزد پرچمی است که طبقه کارگر به نمایندگی از اکثریت وسیع مردم ایران، مردم شریف و محرومیت کشیده ای که به زندگی زیر خط فقر در جمهوری اسلامی سرمایه محکوم شده اند، بلند کرده است. این جبهه تعیین کننده ای از مبارزه عمومی مردم ایران برای رفاه و برابری و یک عرصه کارساز در جنبش سرنگونی و انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی است. کمپین ۴۵۰ هزار تومان یکی از آن مصافها و جبهه های اصلی نبرد طبقاتی است که بالقوه میتواند اکثریت عظیمی از جامعه را بدنبال و در حمایت از کارگران بسیج کند و طبقه کارگر را در پیشاپیش صفوف انقلاب علیه جمهوری اسلامی قرار بدهد. این امکان بالقوه باید بالفعل و عملی شود و اول مه امسال یک گام بلند در این جهت بود.

یک جبهه دیگر نبرد کارگران مقابله با خانه کارگر و مراسم های دولتی بود. در مراسم تبریز که چهار روز قبل از اول مه از طرف خانه کارگر برپا شد کارگران قطعنامه پیشنهادی خانه کارگر را پذیرفتند و در مقابل آن قطعنامه مستقل خود با خواست تعطیل رسمی اول مه و حق تشکل و اعتصاب و حداقل ۴۵۰ هزار تومان را مطرح و اعلام کردند. در مراسم ورزشگاه آزادی تهران این مقابله کارگران و ایادی حکومت مستقیمی شکلی تعرضی و سیاسی بخود گرفت. خانه کارگر و دیگر ایادی رژیم قصد داشتند گردهمایی کارگران در ورزشگاه آزادی را به سکوی تبلیغات انتخاباتی رفسنجانی تبدیل کنند. کارگران این مراسم را به یک افصح سیاسی برای رفسنجانی و کل

حکومت اسلامی تبدیل کردند. مخالفت و اعتراضات و شعارهای کارگران علیه خانه کارگر و رفسنجانی و حکومت چنان گسترده و کوبنده بود که رفسنجانی جرات نکرد حتی در ورزشگاه حاضر شود، از نیمه راه بازگشت و اعلام کرد "مصلحت نظام" را در آن دیده است که در میان کسانی که به "قوانین و مقدسات و مقامات حکومت توهین" میکنند حاضر نشود! این تودهنی محکم جنبش کارگری به یکی از درشت ترین حشرات اسلامی حاکم بود. کارگران با این حرکت موضع و برخورد کل جامعه ایران به مضحکه انتخابات ریاست جمهوری و یکی از کاندیداهای اصلی رژیم در این نمایش را نمایندگی کردند و به حکومت و جامعه نشان دادند که بساط انتخابات رژیم را بر سرش خراب خواهند کرد.

اما به فضاحت کشاندن رفسنجانی و ایادی خانه کارگریش تنها تعرض سیاسی جنبش کارگری در اول مه نبود. طبقه کارگر در اول مه امسال عملاً پاسخ روشن و کوبنده ای به هیاهوهای ناسیونالیستی و قوم پرستانه اخیر حکومت و دار و دسته های اپوزیسیون راست داد. کارگران در اهواز و آبادان و ماهشهر در بیانیه ای با امضای انجمن آزادی و برابری جنوب خوزستان و در تبریز و سنجند و کرمانشاه و تهران، به میدان آمدند و با اعلام خواست افزایش حداقل دستمزد و برخورداری از بیمه بیکاری و خدمات اجتماعی و سایر خواسته های رفاهی عمومی در قطعنامه ها و بیانیه های شان راه حل واقعی و عمومی و سراسری علیه فقر و محرومیت را در برابر جامعه قرار دادند. کارگران عملاً نشان دادند که همه کارگران و همه مردم در چهار گوشه ایران درد و مساله مشترکی دارند و راه حل واقعی مردم مبارزه متحد و سراسری با خواسته های روشن و رادیکال علیه جمهوری اسلامی است. در اول مه امسال طنین سرود انترناسیونال در تجمعات کارگری به همه اعلام کرد که کارگران نه تنها در برابر تفرقه اندازی های ملی و قومی در جامعه ایران ایستاده اند بلکه اصولاً تقسیم

جهان به ملت ها و کشورها را نمیپذیرند و خود را با کارگران و مردم زحمتکش در سراسر جهان هم سرنوشت میدانند. از نقطه نظر شکل و شیوه های اعتراض و مبارزه و نحوه فعالیت فعالین جنبش کارگری نیز اول ماه مه جایگاه ویژه ای داشت و نشاندهنده رشد و پیشروی جنبش کارگری و فعالین و دست اندرکاران این جنبش در بکار گرفتن شیوه های علنی و اجتماعی مبارزه بود. نهادهای و تشکلهای کارگری قطعنامه و بیانیه منتشر کردند، مراسم و تجمعات و راهپیمایی های متعددی در شهرهای مختلف سازمان دادند و در این تجمعات علناً و با اسم و رسم خود علیه سرمایه و سرمایه داری و در دفاع از آزادی و برابری سخنرانی کردند. جنبش کارگری در اول مه امسال نشان داد که پوسته سبک کار مخفی و محفلی سنتی را شکسته است و علناً با کمیته ها و نهادهای مستقل و نمایندگان و فعالین شناخته شده خود به مقابله با نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی پاسدار آن برخاسته است. و بالاخره باید به نقش کارساز حزب در تدارک و زمینه سازی اعتراضات کارگری در اول ماه مه امسال اشاره کنم. حزب ما با تمام امکاناتش، با رادیو و تلویزیون انترناسیونال و با بسیج اعضا و فعالینش در جنبش کارگری به استقبال اول مه رفت. رادیو و بویژه تلویزیون انترناسیونال در یک مقیاس وسیع اجتماعی زمینه را برای برگزاری یک اول مه پرشکوه و رادیکال و سوسیالیستی فراهم آوردند و فعالین و حوزه های حزبی زیر این پوشش سراسری به سازماندهی تجمعات و راهپیمایی های اول مه پرداختند. کمپین و فعالیت فشرده حزب بخصوص در گسترش و عمومیت دادن به شعار ۴۵۰ هزار تومان حداقل دستمزد در سراسر شدن این خواست و مطرح شدن آن در بیانیه ها و قطعنامه های کارگری در اول مه نقش کارساز داشت.

در یک مقیاس اجتماعی و پایه ای تر اول مه امسال، و روح و مضمون ضد سرمایه داری آن، حاصل و بازتاب مستقیم و غیر مستقیم سالها فعالیت و مبارزه پیگیر حزب و جنبش کمونیسم کارگری و گسترش سیاستها و مطالبات و افق و چشم انداز چپ در جامعه در جنبش سرنگونی بود. اول مه در واقع روز اعلام حضور مستقیم آن جنبش و طبقه و حزبی بود که در برآمدهای اعتراضی سالهای اخیر با شعار "آزادی و برابری"، "نان و آزادی برای همه"، "سوسیالیسم بپا خیز برای رفع تبعیض" و "سوسیالیسم راه رهایی ماست" حضور خود را بطور غیر مستقیم اعلام داشته بود. برای هر ناظر سیاسی تحولات سالهای اخیر جامعه ایران روشن بود که جنبش سرنگونی بیش از پیش به چپ متمایل میشود و راه و آلترناتیو کارگران برای رهایی جامعه، و حزب بعنوان پرچمدار این راه آزادی و برابری و سوسیالیسم هر روز رشد و نفوذ بیشتری در جامعه و در جنبش سرنگونی پیدا میکند. در اول مه جنبش کارگری، ستون فقرات و رکن جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی بمیدان آمد و بطور مستقیم و غیر قابل انکاری نشان داد که آلترناتیو چپ و چشم انداز انقلاب و سوسیالیسم در جامعه و در جنبش سرنگونی پر نفوذ و قدرتمند است. در اول مه امسال طبقه کارگر، طبقه پرچمدار انقلاب و سوسیالیسم، اعلام کرد که میروند تا با پرچم "نه به سرمایه" و "نه به استثمار" جایگاه واقعی و تعیین کننده خود را در جنبش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی کسب کند. باید بر نتایج و دستاوردهای اول مه برای پیشرویهای بیشتر در خود جنبش کارگری و در جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی متکی شد و گامهای بلند تری در جهت سرنگونی حکومت اسلامی و تحقق سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی بجلو برداشت. حزب ما با تمام توان خود در این جهت گام برمیدارد. *

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

جنبش اعتراضی

برای خواست افزایش دستمزدها

گامهای بعدی

شهلا دانشفر



حداقل دستمزد، ۴۵۰ هزار تومان!

که چگونه اعتصاب کارگران با خواست ۴۵۰ هزار تومان توانست جایگاه جدیلی به حرکت و اعتراض کارگران بر سر خواست افزایش دستمزدها بدهد. باید زمینه چنین حرکتی را در دیگر کارخانجات بزرگ فراهم ساخت. باید با طرح این موضوع در مجامع عمومی به تدارک سازماندهی اعتصاب حول خواست افزایش دستمزدها و با خواست مشخص ۴۵۰ هزار تومان برویم.

خواست حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان و ۱۰ میلیون جوان بیکار

طومار اعتراضی با خواست حداقل ۴۵۰ هزار تومان خواست فقط کارگران نیست. خواست کل جامعه است. خواست حداقل ۸۰ درصد این جامعه است که بطور واقعی امروز در زیر خط فقر بسر میبرند. کارگری که امروز بیکار است، بطور طبیعی خواهان کاری یا بیمه بیکاری است. اینکه حداقل پایه دستمزد چقدر باشد، مستقیماً در حداقل پولی که به کارگر بیکار بابت بیمه بیکاری پرداخت میشود، تاثیر دارد. بویژه بخش زیادی از کارگران بیکار با کارهای موقت یک روزه و یک هفته و غیره و با حداقل مزد به کار گرفته میشوند. باید حداقل دستمزد در همه جا، چه کار موقت باشد و چه دائم یکسان باشد. بنابراین روشن است که ۱۰ میلیون کارگر بیکار در موفقیت چنین جنبشی مستقیماً ذینفعند و انتظار میرود که از این خواست و جنبش اعتراضی برای خواست افزایش دستمزدها حمایت کنند و بر زیر طومار اعتراضی کارگران با خواست حداقل ۴۵۰ هزار تومان امضا بگذارند.

تصویر را بکنید ۱۰ میلیون کارگر جوان اگر با خواست بیمه

صفحه ۶

خواست ۴۵۰ هزار تومان حداقل دستمزد را به مجامع عمومی ببریم

خواست افزایش دستمزدها امروز بیش از هر وقت یک خواست فراگیر و متحد کننده است. خواست افزایش دستمزد موضوعی است که بدون شک همه کارگران با علاقه آنرا دنبال میکنند و به آن میپیوندند. وقتی از سطح نازل دستمزدها صحبت میشود همه کارگران به سخن می آیند و میشود بر سر آن ساعتها بحث کرد. میتوان حول این خواست مجامع عمومی را به تحرك درآورد. به آن شکل منظمی داد و اعتراضی سازمانیافته را به پیش برد. تجربه کارخانه کشتی سازی صدر که کارگران طومار اعتراضی را به مجمع عمومی خود بردند و در همانجا ۶۰۰ نفر آنرا امضا کردند و این اعتراض به حرکتی در کارخانه تبدیل شد، تجربه مهمی است. باید این تجربه را بکار گرفت و طومار اعتراضی بر سر خواست افزایش ۴۵۰ هزار تومان دستمزد را به مجامع عمومی برد، بر سر آن به بحث نشست و همانجا بر زیر آن امضا گذاشت. خواست ۴۵۰ هزار تومان را به مجامع عمومی مان ببریم و به مصوبه و اعتراض کل کارگران تبدیل کنیم.

اعتصاب یک شکل موثر اعتراض

جنبش اعتراضی بر سر خواست افزایش دستمزدها تا هم اکنون گامهای موثری به جلو برداشته است. به جریان در آمدن طومار اعتراضی بر سر خواست ۴۵۰ هزار تومان در میان کارگران در بسیاری از کارخانجات امروز شرایط را بیش از پیش مهیا کرده است که با اشکال تعرضی تری این خواست را به جلو برد. یک شکل موثر این اعتراض اعتصاب و دست کشیدن از کار است. تجربه کارگران فیلور نشان داد

امروز کارگران در بخشهای مختلف دارند از افزایش دستمزدها سخن میگویند. اما به بیانیهای متفاوت. واقعیت اینست که طرح هر اندازه از خواست افزایش دستمزدها قدمی به جلو برای کارگران است. اما نکته مهم اینست که باید به این خواست بیان مشخص داد. بعضاً از خواست افزایش دستمزدها به میزان یک برابر و نیم خط فقر، خط فقری که توسط خود دولت ۳۰۰ هزار تومان اعلام شده صحبت میشود، از افزایش دستمزدها به میزان تامین یک زندگی شایسته انسان قرن امروز صحبت میشود، روشن است که جوهر همه اینها یک چیز است. همه اینها نشاندهنده رشد رادیکالیسم در جنبش کارگری است. امروز کارگر حداقل دستمزد خود را نه با خط فقر بلکه با زندگی کارفرما و نماینده مجلس مقایسه میکند و خواهان افزایش دستمزدش هست. اما مشکل طرح خواست افزایش دستمزدها با فرمولبندیهای کلی و ناروشن اینست که نیکگذار صوف خود را متحد کنیم و به جنبشی سراسری و قدرتمند شکل دهیم. باید توجه داشت که نفس طرح خواست مشخص افزایش دستمزدها به میزان ۴۵۰ هزار تومان، گرد آمدن نیرو حول این خواست و حرکت رو به جلوی آن، امروز یک نقطه قوت جنبش اعتراضی کارگری است و تا همینجا یک پیشروی بزرگ است. باید این پیشروی را به رسمیت شناخت و از آن بعنوان سکوی پرشی برای پیشبرد این مبارزه سود جست. باید به این حرکت پیوست و صدای آن را تقویت کرد. با این کار خواهیم توانست صف متحدی از مبارزه حول خواست افزایش دستمزدها بوجود آوریم و به یک جنبش اجتماعی وسیع شکل دهیم.

قرار داده اند. زمزمه این خواست را امروز نه تنها در میان کارگران بلکه در میان معلمان و بخش های دیگر جامعه میشنومیم. این یک جنبش اجتماعی وسیع است که دارد به جلو میرود. باید با تمام قوا به این جنبش پیوندیم. تا هم اکنون گامهای مهمی در پیشبرد این حرکت مهم به جلو برداشته ایم، اما قدمهای بعدی کدامند؟

خواست افزایش دستمزدها، خواست مشخص ۴۵۰ هزار تومان

جنبش اعتراضی برای خواست افزایش دستمزدها هیچگاه با چنین قدرتی به پیش نرفته است. تا همینجا این جنبش مساله تعیین حداقل دستمزد در سال ۸۴ را در کل جامعه به موضوعی باز و فیصله نیافته تبدیل کرده است. تحت فشار اعتراضات کارگران، در خود دولت صحبت از تجدید نظر بر میزان حداقل دستمزدهای قبلاً تعیین شده است. خانه کارگر و شوراهای اسلامی با بحث بر سر اینکه دستمزد قرار بود ظرف چهار سال ترمیم شود و با به میان انداختن ارقامی چون ۲۰۰ هزار تومان در ماه تلاش دارند، مبنایی برای ختم "غائله" پیدا کنند. جنب و جوش در جنبش کارگری هر روز بیشتر میشود و صدای آن حتی بگوش آقای رفسنجانی هم رسیده است و به نظر میرسد کمپین ترمیم میزان حداقل دستمزدها جزئی از کارزار انتخاباتی ایشان است که توسط شوراهای اسلامی و خانه کارگر به پیش میرود. اما آنچه در استادیوم آزادی در اول مه گذشت در واقع شکست این کارزار انتخاباتی و چاقماداران خانه کارگر و شوراهای اسلامی بود و همه اینها و هو و جنجالها دارد به آخر میرسد. نکته قابل توجه اینست که

امسال گام مهمی در مبارزات کارگران برداشته شد. کارگران جدالی حیاتی شدند که مدتها نیازش احساس میشد و آنهم مبارزه برای افزایش چندین برابر دستمزدهاست. این یک تحول و نقطه عطف مهم در مبارزات کارگریست که میتواند توده وسیع کارگران را برای پایان دادن به زندگی زیر خط فقر و مشقت بار وارد میدان کند. این دور از مبارزه تازه آغاز شده است اما در همین آغاز نشانه های گسترش آن به خوبی مشاهده میشود. دامنه جنبش اعتراضی برای خواست افزایش دستمزدها به سرعت گسترده تر میشود. بخشهای مختلف کارگری بطور مشخص خواست ۴۵۰ هزار تومان حداقل دستمزد را طرح کرده اند. طومار اعتراضی کارگران برای خواست ۴۵۰ هزار تومان از کارگران نساجی کاشان شروع شد، بیش از ۳۰۰۰ کارگر آنرا امضا کردند و اعتصاب کارگران فیلور بر سر این خواست، این جنبش اعتراضی را بطور واقعی وارد فاز جدیدی کرد. در اول مه امسال خواست افزایش دستمزدها خواست تمامی قطعه نامه های کارگران بود و کارگران با بیان های مختلف خواهان افزایش اساسی دستمزدها شدند. اول مه امسال این جنبش مهم اجتماعی را گامی به جلو برد. در اول مه در سهند ما شاهد بلند شدن پلاکاردهایی در حمایت از کارگران کارخانه فیلور و کاشان بر سر خواست ۴۵۰ هزار تومان بودیم و در بسیاری شهرها تراکت هایی با تاکید بر روی این خواست پخش شد. دامنه این خواست امروز به میان کارگران برق، نفت، ایران خودرو و به بسیاری جاها کشیده شده است. کارگران برقکار و فلزکار در کرمانشاه طی اطلاعیه ای حرکت اعتراضی کارگران فیلور را مورد پشتیبانی

کار را ما میکنیم، پول را آنها میبرند!

مصاحبه با حسن، کارگر کارخانه فیلور،

در برنامه کارگران و یک دنیای بهتر در کانال جدید

بچه های ما باید فردا بتوانند زندگی کنند. باید پایه ای گذاشته شود که بتوانند در آینده زندگی کنند. ما هم بشریم حالا یا همه ما را میکشید و یا حقم را میدهد. ما جز حقم چیز دیگری نخواستیم. این خواسته های ما بود از اینجا شروع شد و تا اینجا ما پیش هستیم. اینجا سعی میکنند واسطه جلو بیاندازند و بنوعی موضوع را فیصله دهند اما ما بر روی خواسته هایمان هستیم و ما خواهان ۴۵۰ هزار تومان هستیم.

شهلا دانشفر: صحبت جالبی است. کار را ما میکنیم. پول را آنها میبرند.

حسن: واقعا همینطور است، شما هم گفتید، کار را ما میکنیم اینجا پول را میبرند.

شهلا دانشفر: بطور واقعی هر وقت صحبت از حقوق کارگر میشود اینجا از خط فقر حرف میزنند، از سبد هزینه کارگر صحبت میکنند و تازه با وجود اینکه میگویند خط فقر ۳۰۰ هزار تومان است، دستمزد کارگر را ۱۲۲ هزار تومان اعلام میکنند. اما امروز کارگر میگوید چرا دستمزد من اینقدر است؟ چرا نماینده مجلس ۶۰ میلیون و چرا کارفرما اینقدر پول ببرد و من کارگر این سهم را نباید داشته باشم. ولی سوال دیگر من اینست که آیا همه این مسائل را در مجمع عمومی بحث میکنید و تصمیم میگیرید؟ شکل کارتان چگونه است و همینطور برای پیشبرد اعتراضات به جلو چه برنامه هایی در دستور دارید؟

حسن: ما این کار را دنبال خواهیم کرد. ما داخل خودمان متحد هستیم. ما که نمیخواهیم مملکت را زیر و رو کنیم. میان خودمان نماینده انتخاب کردیم. داریم صندوق همبستگی مالی درست میکنیم و کلا با هم هستیم و با هم حتما به نتیجه مثبتی خواهیم رسید. و من صحبت دیگری ندارم.

شهلا دانشفر: اما پیام شما به کارگران دیگر چیست؟ چه انتظاری

میشود. آنها اول گفتند سه ماه سنوات حساب میکنیم و بعد گفتند یک ماه. در صورتیکه حقوق بیمه کارگر حداکثر ۲۰۰ هزار تومان است اما از این طرف سنوات و بیمه میگیرند. اینجا تولید را در نظر نمیگرفتند و تولید را در بیمه منظور نکردند. روی این تولید و میزان دستمزد اختلاف بلند شد. ما میگفتیم به اندازه تولیدی که انجام میگیرد باید به ما پول بدهید. اینجا مخالفت کردند. روی همین موضوع اختلاف بالا گرفت. اینجا در کارخانه را بستند. ما درب کارخانه را به زور باز کردیم و رفتیم تو. کار هم نبود و ما کار هم نکردیم. میگفتند تولید کنید و ما گفتیم تولید نمیکنیم. تکلیف ما را روشن کنید تا تولید کنیم. از همانجا اعتراض شروع شد. ما گفتیم دستمزد ما اینقدر است.

امروز تورم بالاست و باید این را به ما بپردازید. همین موقع بود که یک دو نفر از کارگران را نیز گرفتند. اعتراض ما این بود که، چرا رهبر مملکت، حالا مزد و درآمدهای دیگرشان را کاری نداریم ولی چرا از هر ماشینی که در کارخانه ایران خودرو تولید میشود و بفروش میرسد یک میلیون به حساب ایشان میبرد. کارگر ایران خودرو در ناسیونال کار میکنند، اما از هر ماشین یک میلیون به حساب ایشان میبرد. مگر من با ایشان چه فرقی دارم. ایشان یک شغلی دارد رهبر مملکت است، خیلی خوب. باید زندگی اش زیاد تر از من باشد، خیلی خوب بحثی نیست، اما نه اینقدر. ایشان و یا کسان دیگر، منجمه نمایندگان، نماینده ای که امروز دارد آنقدر حقوق میگیرد و بقیه شما یک شغل هم ندارد اما از چند جا دارد حقوق میگیرد و عیدی اش هم آنقدر است. کار را من دارم میکنم پول را او دارد میبرد. ما گفتیم که حداقل حقوق کارگر باید ۴۵۰ هزار تومان باشد، و این خواسته ماست. یکسری مامور ریختند، یکسری گروه ضربتی ریختند، خواستند ما را عقب برانند اما هر کاری اینجا کردند ما گفتیم می ایستیم. بقیه معروف گفتیم با

زنگی زنگی یا رومی رومی. یکجا باید شروع شود. حالا ما نه، ولی

نظرم تا الان شما قدمهای خیلی مثبتی برداشته اید، همانطور که خودتان گفتید این حرکت نه تنها برای خود کارگران فیلور بلکه در سطح کل جامعه مهم است. بخصوص الان که مساله افزایش دستمزدها به یک خواست وسیع و عمومی در ایران تبدیل شده است. کارگران کاشان این را مطرح کردند و بیش از سه هزار امضا جمع کردند، در کرمانشاه الان این طومار در جریان است، جهت اطلاع شما این طومار در میان کارگران پالایشگاه نفت در اصفهان این طومار در جریان است، در آبادان این طومار در جریان است. در کشتی سازی صدرا در بهشهر این طومار طرح شده و ۶۰۰ کارگر آنرا امضا کردند. این حرکت خیلی مهم است و به نظرم حرکت شما خیلی جای امیدواری دارد. بویژه تاکید شما بر اتحاد و همبستگی و تشکیل صندوق همبستگی مالی، ما با تمام قوا از این صندوق حمایت میکنیم. ما قبلا هم صندوق حمایت از اعتصابات کارگران در ایران را اعلام کردیم، من خودم این صندوق را اعلام کردم. و آموغ ما توانستیم کمک هایی برسانیم به کارگران در بهشهر. همینطور در هنگامیکه کارگران نساجی کردستان اعتصاب باشکوهی را به پیش میبردند ما این صندوق را اعلام کردیم. اما سوال دیگر من از شما اینست که شما این خواست و این حرکت را به چه شکلی به پیش بردید، میخواستیم تجربه خودتان را با کارگران دیگر در میان بگذارید.

حسن: برج ۱۱ در سال ۸۳ وقتی میخواستند پاداش بدهند، آمدند در پاداش ما دستکاری ای کردند و تبعیضی قائل شدند. گفتند استخدامها را بعد از عید کلا اخراج میکنیم و به جای آنها کارگر روزمزد میگیریم. ما این حساب را کردیم که آیا سنوات ما در سال چقدر

آید. در حال مبارزه هستیم کلا. نه فقط فیلور خیلی از کارخانجات یکی بعد از دیگری وقتی شنیدند در فیلور این مسایل هست، عین این حرکات را دارند. امیدوارم کل کارگران ایران با هم همگام شوند. خیلی هم سپاسگزاریم که زحمت میکشید، تماس میگیرید، درد دل ما را گوش میدید. امیدوارم همه مردم بشنوند، درد دل ما را گوش کنند و بدانند که کارگر هم انسان است. چطور است که منجمه نماینده ای که من انتخاب کردم که قدمی برای من بردارد، زندگی اش تامین است، من کارگر نه. چطور است که او نظاره گر است و چرخ مملکت را من دارم میچرخانم. او نظاره گر است و یک میلیون حقوق میگیرد. سه میلیون عیدی میگیرد، اما من باید ۱۰۶ هزار تومان حقوق بگیرم با ۱۰۰ هزار تومان عیدی. این اصلا جور در نمی آید. در هر صورت امیدوارم آینده را بتوانیم درست کنیم.

شهلا دانشفر: صحبت های جالبی داشتید. من به سهم خودم دست شما و تک تک کارگران فیلور را بگرمی میفشارم. به نظرم شما پیشتان یک حرکتی بودید. کارخانه فیلور با ۲۰۰۰ کارگر با خواست ۴۵۰ هزار تومان پرچمدار اعتراض این وضع فلاکتبار و دستمزدهای نازل شد و خواست ۴۵۰ هزار تومان را مطرح کرد و دیدید که چطور این خواست در اول مه امسال در خیلی جاها طرح شد، از جمله اگر دنبال کرده باشید، در اخباری که ما اینجا پخش کردیم، در سندج پرچم هایی که بر روی آن نوشته شده بود ما از خواست کارگران فیلور و کاشان حمایت میکنیم، کارگران در حمایت از شما بلند کردند. خیلیها چشمشان به حرکت شماست، چشم امیدشان به شماست. میخواهند بدانند این اعتراض به کجا کشیده میشود و به

شهلا دانشفر: بینندگان عزیز در جریان اعتراضات کارخانه فیلور هستید. یک خواست اساسی کارگران در این کارخانه خواست افزایش دستمزدها، حداقل ۴۵۰ هزار تومان بود و کارگران برای این خواست دست به اعتصاب زدند. ما در اینجا آخرین اخبار را از دوستان حسن میشنویم. خیلی به این برنامه خوش آمدید، اگر ممکن است ما را در جریان آخرین اخبار از اعتصابات در کارخانه فیلور قرار دهید؟

حسن: من یکی از کارگران فیلور هستم. از یکماه پیش از عید تا حالا درگیریم، برای حقوقمان، دستمزدهایمان و برای آینده مان، برای کارگرهای نسل دوم و سوم. ما فعلا در حال مبارزه هستیم. تقاضای دستمزد ۴۵۰ هزار تومان را داریم و این حداقل حقوق ماست که بتوانیم جلوی خانواده مان شرمند نباشیم. نمیشود با این تورم گفت ۴۵۰ هزار تومان زیاد است، نه. ما برای اینکه بتوانیم بقیه معروف زندگی را بدون خجالت خانواده به پیش ببریم فعلا تقاضای ۴۵۰ هزار تومان کرده ایم. فیلور هم تا اینجا زیر بار نرفته است.

ما کارگران فعلا با هم متحدیم. در مقابل، فیلور هم آمده یک قدمی برداشته قبلا تقریبا از اسفند ماه، و آنهم اخراج کارگران استخداسی است. این کارخانه ۴۵۰ کارگر استخداسی دارد، ۲۰۰ قراردادی دارد، بقیه هم روزمزد هستند. فیلور میخواهد کلا همه کارگران را روزمزد کند، آنهم با دستمزد کم، با ۱۰۶ هزار تومان. با این کار میخواستند میان کارگران اختلاف بیندازند. ولی خوشبختانه کارگران همه باهم هستند. ما همدیگر را ول نکردیم و اکنون هم میخواهیم صندوقی درست کنیم و پولی جمع کنیم و آنهايي که مزدشان واقعا کم است و حقوقشان نمیرسد، لنگ نمانند. با این وضع فعلا پیش میریم، ببینیم در آینده چه پیش می

پیام پشتیبانی کارگران برقکار و فلزکار کرمانشاه از کارگران فیلور

همکاران گرامی در کارخانه فیلور

با سلام،

اعتصاب شما نسبت به حداقل دستمزد تعیین شده از سوی وزارت کار، حرکتی اصولی و از نظر عموم کارگران ایران پسندیده است، در شرایط کنونی با حقوق کمتر از ۴۵۰ هزار تومان امکان یک زندگی با حداقل امکانات نیست ما ضمن تبریک این مبارزه برحق، پشتیبانی خود را از شما اعلام میکنیم.

انجمن صنفی کارگران برقکار و فلزکار کرمانشاه

۱۷/۲/۱۳۸۴

فراخوان کارگران پتروشیمی ماهشهر

کارگران اتحاد اتحاد

کارگران، جوانان، مردم ستمدیده و محروم

بار دیگر دست سرمایه داران و صاحبکاران بر زندگی تهری و محروم کارگران سایه افکنده و آنها را در وضعیت دشواری قرار داده است. کارگران شرکت تهران جنوب و شرکت پتروشیمی فن آوران بعد از چهارماه نگرفتن حقوق خود دست به اعتصاب زدند. این اولین و آخرین اعتصاب کارگری در این جامعه

نخواهد بود. لذا از تمامی مردم آزادیخواه و زحمتکش و انسانهایی که برای تامین زندگی خود مجبور به فروش نیروی خود میباشند خواستار این هستیم که صفوف اعتصاب ما را حمایت کنند. ما امضا کنندگان زیر حمایت خود را از کارگران اعتصابی شرکت پتروشیمی برای پرداخت حقوق های معوقه خود اعلام میداریم. امضا: ...

بنا به اطلاعیه حزب، بدنبال اعتصاب و تجمع کارگران پتروشیمی فن آوران در روز ۲۵ اردیبهشت حراست و کارفرما به مذاکره با کارگران تن دادند و کارفرما قول داد که حقوق معوقه کارگران را تا ۵ خرداد پرداخت کند. کارگران اعتصاب را پایان دادند اما اعلام آمادگی کرده اند که در صورتیکه به خواست آنان تا ۵ خرداد رسیدگی نشود اعتصاب را از سر بگیرند و اعتراض را به خیابانها بکشانند.

نگوید. کارگر باید حق خود را بخواهد، کل کارگران باید با هم باشند. کارگر باید حقش را بخواهد و ترس نداشته باشد. اگر بترسد باید بردگی کند. این پیام من به کارگران است. **شهلا دانشفر:** با تشکر از شما، امیدوارم که باز هم با ما تماس بگیرید، از ادامه حرکتتان، از پیشروی هایتان، از اخبار

دهن باز کند حقش را بگیرد. نباید بترسد. ترسی نداشته باشند. با هم متحد باشند. تک تک نمیشود کاری کرد. باید با هم کلا متحد باشند، ترس نداشته باشند که حقشان را بهشان بدهند. والا کسی حقشان را بهشان نمیدهد. هیچ سرمایه داری نیامده که حق کسی را با دست خودش بدهد. او برده میخواند، او میخواند کارگر برده باشد، هیچی

ساعتی ۴ تا گروه ضررتی بیاید و ما را به عقب نشینی وادار کند، همین است که هستیم، خواهد بود. یک برده خواهیم بود. اگر میخواهید برده باشید دهن باز نکنید. اگر میخواهید آزاده باشید، ای کارگر عزیز تو داری زحمت میکشی، هر جا در هر کشوری فرقی نمیکند، کارگر دارد زحمت میکشد، حقش را باید به او بدهند. اگر نمیدهند باید

از کارگران در کارخانجات دیگر و بینندگان این تلویزیون دارید؟ خوشحال میشوم به عنوان آخرین صحبت، پیام شما را خطاب به کارگران دیگر بشنوم؟

حسن: پیام من به کارگران اینست که حقان را صحبت کنید بگیرد. ترس نداشته باشید. اگر ما خواهیم ترس داشته باشیم و هر دقیقه و هر

تاکنونی در جنبش اعتراضی حول خواست افزایش دستمزدها، توازن قوای کنونی و مساعد بودن شرایط برای پیشبرد چنین مبارزه ای، پتانسیل اجتماعی و گسترده دامن زدن به جنبش افزایش دستمزدها، همه و همه امروز ما را در موقعیت بسیاری مساعدی برای پیشبرد این حرکت اعتراضی و پیشرویهای بعدی قرار داده است. باید این موقعیت را دریافت. این دست رهبران کارگری و کارگران کمونیست را میبوسد که پرچم این اعتراض را بدست گیرند و آنرا سازمان دهند. جنبش اعتراضی برای خواست افزایش دستمزدها در شرایط امروز افق روشنی در مقابل خود دارد، باید این افق را بازشناخت و همه امکانات را بکار برد. تنها با داشتن چنین چشم انداز روشنی است که خواهیم توانست جنبشی عظیم و قدرتمند حول این خواست کلیدی برآه بیندازیم. بدون شک پیروز خواهیم شد. *

از کارگران فیلور حمایت کنیم

حرکت کارگران در کارخانه فیلور بر پیشبرد جنبش اعتراضی بر سر خواست افزایش دستمزدها در کل جامعه تاثیر گذاشت. امروز کارگران فیلور به مرکز توجه کارگران در کارخانجات مختلف تبدیل شده اند. پیروزی این حرکت در فیلور، پیروزی مهمی برای کل کارگران خواهد بود، باید با تمام قوا از حرکت اعتراضی کارگران فیلور با خواست ۴۵۰ هزار تومان دستمزد حمایت کرد. باید همچون کارگران برقکار و فلزکار در کرمانشاه با دادن پیامهای حمایتی از اعتراض و خواست این کارگران پشتیبانی کرد. سخن آخر اینکه پیشروی های

از صفحه ۴ جنبش اعتراضی برای خواست افزایش دستمزدها

باید سازمان داد

اگر خواست افزایش دستمزدها خواست بخش وسیعی از جامعه است، باید حول این خواست حرکتی اجتماعی و وسیع را سازمان داد. باید به جامعه بگویم که خواست ما چیست و طومار های اعتراضی با امضاهای زیر آن را در رسانه های و سایت های خبری منعکس کنیم. با تماس با تلویزیون کانال جدید و رسانه های خبری دیگر تلاش کنیم که صدای اعتراضمان را بگوش جامعه برسانیم و آنها را از پیشروی هایمان مطلع سازیم. باید با استفاده از مکانیزم های اجتماعی همه کارگران و بخش های مختلف جامعه را به حمایت و پیوستن به این حرکت فراخوانیم. خانواده های کارگری وزن مهمی در حمایت و پشتیبانی از این حرکت اعتراضی دارند. باید خانواده های کارگری را در این حرکت اعتراضی

دستمزد ها و دریافتی همه شاغلین حقوق بگیر و امضای طومار با خواست حداقل ۴۵۰ هزار تومان در ماه، از سوی آنان، صف متحدی از اعتراض را شکل خواهد داد که بدون شک کارگران، معلمان و کل جامعه را در موقعیت بسیار مساعدتری از اعتراض و مبارزه و تحمیل خواستههایشان قرار خواهد داد. باید به این حرکت پیوست. اکنون که خواست افزایش حقوقها بصورت مشخص و با طرح ۴۵۰ هزار تومان طرح شده است. جمع شدن حول این خواست، امضای طومار اعتراضی و اعلام این خواست به عنوان حداقل دستمزدها و حقوق در گام اول یک گام مهم برای پیشروی کل جامعه است. باید این گام را برداشت.

بیکاری برابر با ۴۵۰ هزار تومان به حرکت در بیایند و در برابر ادارات کار و مراکز مربوطه منتظما تجمع کنند و بر روی آن پای بفشردن چه حرکت اجتماعی وسیعی بوجود می آید. باید این حرکت را در همه جا دامن زد. باید این طومار اعتراضی به امضای همه این کارگران بیکار دریابید و بر روی پلاکاردهای اعتراضی آنها در همه جا نصب شود و حرکتی بزرگ و فشرده را حول آن سازمان داد.

خواست افزایش دستمزدها خواست فوری معلمان است

نزدیک ۶ سال است که معلمان مبارزه میکنند و خواست افزایش دستمزد در راس خواسته های آنها قرار دارد. در میان معلمان صحبت از ۵۰۰ هزار تومان حداقل حقوق است. پیوستن معلمان به جنبش اعتراضی حول خواست افزایش

حول خواست افزایش دستمزدها حرکتی اجتماعی

کارگران اخراجی شاهو در مقابل استانداری تجمع کردند



فلسطین در اول ماه مه حمل می‌کردند. در زمبابوه علیرغم تهدیدات قبلی دولت مبنی بر ممنوع اعلام کردن مراسم‌های اول ماه مه، هزاران نفر به فراخوان اتحادیه‌های کارگری جواب مثبت داده و بدون دخالت پلیس دست به راهپیمایی زده و سیاست‌های ریاضت اقتصادی دولت را محکوم کردند. ۲۵ هزار نفر در شهر مادرید اسپانیا در یکی از ۵۰ راهپیمایی سازمان داده شده در اول ماه امسال خواهان کاهش بیکاری، اشتغال ثابت، و بهبود شرایط کار و زندگی خود شدند؛ و همچنین به کاهش بیمه‌های اجتماعی اعتراض کردند. در روسیه هزاران تن روز اول ماه را با حمل پلاکاردهای سرخ و عکس‌های لنین، این روز را گرامی داشتند. شهردار مسکو نیز در یکی از این راهپیمایی‌ها شرکت کرد و به وخیم شدن وضعیت و شرایط زندگی کارگران زیر حکومت پوتین اعتراض کرد. شرکت کنندگان در این مراسم سیاست‌های کاهش بیمه‌های اجتماعی دولت پوتین را محکوم کردند. ۵۰۰ هزار نفر در شهرهای مختلف آلمان در مراسم‌های این روز شرکت کرده و به کاهش بیمه‌های اجتماعی، بیکارسازی میلیونی، سودهای سرسام آور کمپانی‌ها و وخیم شدن وضعیت زندگی خود اعتراض کردند. در کره جنوبی به دعوت کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری هزاران نفر به خیابان‌های شهرهای اصلی کره جنوبی آمده و خواهان بهبود شرایط کار و زندگی کارگران و لغو کار قراردادی شدند. چند هفته قبل از اول ماه مه، سقف یکی از کارخانه‌های نساجی بنگلادش فرو ریخت که در نتیجه ۷۳ کارگر جان خود را از دست دادند، این یکی از موضوع‌های اعتراض اول ماه امسال کارگران این کشور، علاوه بر خواست حداقل دستمزد مکفی، بود. شیرین اختر، یکی از فعالین کارگری به

اول مه ۲۰۰۵، در چهار گوشه جهان، علیه بی‌حقوقی کارگر

ناصر اصغری

جنگی و نبود صلحی پایدار در خیابان‌های کولومبو، پایتخت سریلانکا دست به راهپیمایی زدند. شرکت کنندگان خواهان رفع تبعیض علیه کارگران تأمیل شده و علیه گلوبالیزاسیون شعار دادند. صدها هزار نفر در مکزیک در راهپیمایی‌های جداگانه که توسط اتحادیه‌های کارگری مختلفی فراخوان داده شده بودند، به اعتراض‌های مشابهی، عمدتاً دستمزد‌های پائین و خصوصی سازی بیمه‌های اجتماعی، دست زدند. در برزیل ۱۲۷۲۲ تن از اعضای "جنبش کارگران بی زمین" از مرکز شهر گویانا تا مرکز پایتخت برزیل دست به یک راهپیمایی ۲۱۰ کیلومتری در اعتراض به سیاست‌های دولت "لولا" زدند و دروغ‌های این رژیم در ادعایش مبنی بر اصلاحات ارضی را برملا کردند. دهها هزار نفر در نیویورک عمدتاً در اعتراض به سلاح‌های هسته‌ای و جنگ آمریکا علیه عراق روز اول ماه مه را گرامی داشتند. شهرهای بزرگ عراق چون بغداد و بصره نیز شاهد راهپیمایی‌هایی در اول ماه مه بود که عمدتاً بر دخالت‌گری چپ و طبقه کارگر در اوضاع تأکید داشتند. در ونزوئلا طرفداران و مخالفین دولت هیوگو شوز در برابر هم صف آرائی کردند و مخالفین این دولت به بیکاری میلیونی اعتراض کردند. کارگران فلسطینی اول ماه امسال را بر علیه هر دو حکومت فلسطین و اسرائیل گرامی داشتند. پلاکارد بزرگ جلو راهپیمایی ساحل غربی و غزه شعار "فقر دشمن انسانیت است" را بر خود داشت. کارگران یونان پلاکاردهای بزرگی در همبستگی با کارگران

راهپیمایی‌ها و میتینگ‌های اول ماه مه امسال گرچه به گفته برخی وسعت سال‌های گذشته را نداشت، اما بسیار رادیکالتر و چپ‌تر از گذشته بود. پیغام اول ماه امسال از آسیا تا اروپا، از شمال تا جنوب، از زمبابوه، کره جنوبی، پاکستان، بنگلادش، تا آلمان، استرالیا، انگلیس، کانادا، ژاپن و غیره این بود که حقوق کارگران از سال‌های پیش بیشتر مورد حمله قرار گرفته و کارگران باید علیه آن دست به مقاومت بزنند. بگفته رسانه‌های چپ‌سازان، رویتر، ای بی سی و بی بی سی، امسال کارگران اول ماه در اعتراض به سیاست‌های دولتها و مطالبه بهبود شرایط کار و زندگی خود به خیابان‌ها آمدند. یک مطالبه مطرح در اکثر راهپیمایی‌های اول ماه مه امسال، خواست حداقل دستمزد مکفی بود. شعارهای سیاسی چون خروج آمریکا از عراق و غیره نیز در اکثر راهپیمایی‌های امسال بود. دولتمردان، آنجانی که در این مراسم شرکت کردند، سعی کردند وانمود کنند که اعتراضات کارگران را به رسمیت می‌شناسند و همرنگ جماعت هستند.

صدها هزار کویائی در هاوانا به سخنرانی فیدل کاسترو در اعتراض به قلدری آمریکا گوش فرا دادند. صدها هزار تن در شهرهای مختلف ژاپن روز اول ماه مه را به خیابان‌ها آمدند تا خواهان ممنوع شدن تولید سلاح‌های هسته‌ای بشوند. هزاران نفر اول ماه را در فرانسه با مخالفت با سیاست‌های دولت و بخصوص لغو قانون ۳۵ ساعت کار در هفته را گرامی داشتند. صدها هزار نفر به فراخوان اتحادیه‌های کارگری سریلانکا، در اعتراض به وضعیت

کارگران شاهو!

مراجعات مکرر شما به مقامات مختلف دولتی بی نتیجه ماند. به تجربه ثابت شده است که کارگران تنها به نیروی اتحاد و مبارزه خود می‌توانند کارفرما و دولت را به قبول خواست‌های خود وادار کنند. متحد و مصمم مبارزه خود را برای تحقق خواست خود ادامه دهید و تلاش کنید کارگران دیگر بخش‌های کارگری و مردم سندنچ را در حمایت از خود به میدان آورید. تنها با زور است که می‌توان حکومت را به عقب راند.

همه کارگران و مردم سندنچ را فرا می‌خوانیم که از مطالبات کارگران اخراجی شاهو حمایت کنند.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران**
۲۷ اردیبهشت ۸۴ - ۱۷ مه ۲۰۰۵

با اول ماه سال‌های پیشین فرق داشت: رادیکال بودند. توهمه‌ها به دول سوسیال دمکرات فرو ریخته بود. نهادهای کارگری سعی می‌کردند فاصله خود را با دولتهای چپ و سوسیال دمکرات با انتقاد از سیاست‌های این دول نشان بدهند. از دولتمردان با تخم مرغ‌های گندیده استقبال شد و غیره. شعارهایی که سنتا سیاسی نامیده می‌شوند، فقط توسط احزاب و سازمان‌های چپ حمل نمی‌شدند، اتحادیه‌ها هم امسال در حمل پلاکاردهای سیاسی پیشقدم شده بودند. اما اگر سیاست و آلترناتیو کمونیستی کارگری بر اعتراضات و تحریک کارگری حاکم نباشد و مادام که احزاب کمونیستی کارگری عروج نکرده‌اند که رهبری کل مبارزه طبقه کارگر را بدست داشته باشند و آلترناتیو سوسیالیستی کارگری را جلو جامعه بگیرند، این خشم کارگران و اعتراضات روزمره این طبقه نمی‌تواند موتور تغییری کیفی در زندگی کارگران علی‌الخصوص و جامعه علی‌العموم بشود.

۱۳ مه ۲۰۰۵

یکی از رسانه‌های غربی می‌گوید: ما خواهان قوانینی هستیم که بیش از این از ما قربانی نگیرد. کارگران بنگلادش خواهان دستمزدی در حدود ۵۰ دلار آمریکائی شدند که هم اکنون دستمزدی بین ۱۳ تا ۲۰ دلار دریافت می‌کنند. پاکستان و فیلیپین نیز شاهد تظاهرات‌های مشابهی بودند. هزاران نفر به خیابان‌های هنگ کنگ آمده و خواهان برسمیت شناخته شدن آزادی تشکل و قراردادهای دسته جمعی شدند؛ و همچنین بر علیه طولانی بودن ساعات کار کارگران خانگی اعتراض کردند. هزاران نفر در ایرلند به خیابان‌ها آمده و در کنار اعتراض به وضعیت اقتصادی، پلاکاردهای زیادی در دفاع از کارگران مهاجر حمل کردند. دهها هزار نفر در شهرهای استرالیا، ترکیه، انگلیس، اتریش، هلند، مصر، سوئیس، ایتالیا، نروژ، فنلاند، سوئد و غیره به خیابان‌ها آمدند و علیه کاهش دستمزد‌ها، بیکارسازی‌های وسیع، علیه جنگ آمریکا علیه عراق، سلاح‌های هسته‌ای و غیره اول ماه مه را گرامی داشتند. اول ماه مه ۲۰۰۵ از چند جنبه

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر ردیف ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

چشم انداز و موقعیت جنبش ۳۵ ساعت کار



امیدوار بود؟ چه دلایلی باعث این عقب نشینی ها شد؟ جنبش کوتاه کردن ساعات کار چه چشم اندازی را در آینده نزدیک پیش روی خود دارد؟ روشن است که این عقب نشینی ها مساله کاهش ساعت کار در شرایط فعلی را به زیر سوال میکشد. جنبش کوتاه کردن ساعت در واقع جنبشی است به قدمت خود سرمایه و کارگر. اما این جنبش با افت و خیزهای زیادی به پیش رفته است. کارگران طی قرن گذشته توانستند ساعت کار را که در کشورهای پیشرفته صنعتی نیز هیچ قانون روشنی بر آن حاکم نبود و رسماً تا ۱۴ ساعت در روز در برخی کشورها از کارگران کار میکشیدند، ابتدا به ۴۸ ساعت در هفته (دهه پنجاه) و سپس به ۴۰ ساعت در هفته (دهه هفتاد) در بیشتر کشورها کاهش دهند. در اواسط دهه نود خواست ۳۵ ساعت کار در هفته که سالها پیش از آن توسط جریانات مختلفی در درون و بیرون جنبش کارگری طرح شده بود، به صورت یک جنبش گسترده کارگری در بسیاری از کشورها به جریان افتاد و باعث کاهش ساعت کار در بسیاری از کشورها و بویژه آلمان و بعداً در فرانسه و کشورهای اسکاندیناوی گردید.

اینکه امروز علیرغم افزایش بارآوری کار کارگران در همین یکی دو دهه اخیر به یمن انقلاب انفورماتیک و نقش کامپیوتر، کارگران ناچارند ساعات طولانی تری کار کنند ناشی از عوامل مختلفی است:

مهمترین مساله اینست که جهانی شدن یا "گلوبالیزاسیون" امکان حرکت سرمایه ها را بسیار تسهیل کرده است. این وضعیت به سرمایه داران امکان داده است که بتوانند از تفاوت شرایط کارگران در کشورهای مختلف به نفع خود استفاده کنند و نوعی رقابت غیر مستقیم را در میان بخشهای مختلف کارگران در کشورهای مختلف در زمینه کل شرایط کار

رقابت تولیدات این کشورها در مقایسه با کشورهای دیگر بهانه عقبگرد بود. در آلمان مجتمع دایملر کرایسلر در اواسط سال گذشته تهدید کرد که کارخانه های مرسدس در جنوب آلمان را خواهد بست و به مجارستان منتقل خواهد کرد و هزاران کارگر را بیکار خواهد نمود. پس از اعتراضات و کشاکش هایی که در مورد افزایش ساعت کار میان کارگران و کارفرمایان صورت گرفت، اتحادیه ها با این شرط که دایملر کارخانه هایش را منتقل نکند و بیکارسازها صورت نگیرد، قرارداد افزایش ساعت کار را پذیرفتند. مدت کوتاهی قبل از آن زیمنس نیز توانسته بود در قراردادش ساعات کار طولانی تر را به کارگران قسمت تعمیر تلفنهای موبایل تحمیل کند. در ژانویه ۲۰۰۵ اتحادیه متال قرارداد دیگری را با زیمنس پذیرفت که هزاران کارگر را در برمیگیرد. در ماه فوریه ۲۰۰۵ در فرانسه دولت دست راستی رافارین-شیراک با مطرح کردن همین مساله طرح لغو قانون ۳۵ ساعت کار را طرح کردند و مجلس ملی و سنای فرانسه علیرغم اعتراضات میلیونی کارگران و مردم آنرا تصویب نمود. بنا به نظرسنجی ها ۷۰ درصد مردم فرانسه و ۸۵ درصد کارگران با افزایش ساعت کار کارگران مخالف بودند. بنا به قانون جدید هنوز ساعت کار رسمی در فرانسه ۳۵ ساعت است اما کارفرمایان میتوانند در صورت توافق خود کارگران و پرداخت درصدی بالاتر از دستمزد معمول، ساعات کار هفتگی طولانی تری را که میتواند تا ۴۸ ساعت کار در هفته که سقف ساعت کار در اتحادیه اروپاست، به اجرا در بیاورند. یا به بیانی که خود میپسندند این قانون را "تلطیف" کردند.

سوال اینست که اهمیت این عقب نشینی ها تا چه حد است؟ آیا هنوز هم میتوان به کم کردن ساعت هفتگی کار تا ۳۵ ساعت و کمتر

سود جوید. بهررو تا آنجا که به ساعت کار مربوط میشود در واقع ساعات کار طولانی کنونی، سنت و قانونی بازمانده از دوران ماقبل انقلاب تکنیکی و انفورماتیک است. نه فقط ۴۸ ساعت و ۴۰ ساعت کار در هفته بلکه ۳۵ ساعت کار در هفته نیز تناسبی با رشد بارآوری کار و کل شرایط عینی تاریخی ندارد و از آن بسیار عقب است. این ساعات طولانی کار بیش از هر چیز توازن قوای میان کارگران و صاحبان سرمایه را منعکس میکند. همانگونه که اشاره شد بارآوری کار طی همین چند دهه اخیر چند صد درصد بالا رفته است. اما نه ساعت کار کاهش یافته و نه دستمزد کارگران افزایش یافته است. در واقع سرعت کاهش ساعت کار و افزایش دستمزد کارگران طی این چند دهه از دهه های قبل از آن بسیار کمتر است. این را با هیچ منطق دیگری جز تغییر توازن قوا به ضرر کارگران طی این چند دهه نمیتوان توضیح داد. ساعت کار باید و میتواند بطور جدی ای کاهش یابد. اما این به یک تحول رادیکال در سازمانیابی کارگران و سیاست حاکم بر جنبش کارگری نیاز دارد. طبقه کارگر به این نیاز میرسد است که خود را در سطح جهانی سازمان دهد و در ابعاد بین المللی به جدالی جدی تر با سرمایه دست بزند. تلاشهایی در سطح اتحادیه ای در این زمینه صورت گرفته است و سخن از کنفدراسیونی از تمام فدراسیونهای اتحادیه ای جهانی است. اما آیا این تلاش میتواند جلوی تعرض همه جانبه سرمایه داران و دولتها به کارگران را در سطح جهانی بگیرد؟

اینجا ما به یک نقطه ضعف اساسی تر در جنبش کارگری در کشورهای غربی میرسیم و آن نقش اتحادیه هاست. اتحادیه ها عملاً خود مانعی برای تحرك و رشد رادیکالیسم در جنبش کارگری هستند. اتحادیه ها سالهاست که به جزئی از دستگاه رسمی حاکم در کشورها (establishment) تبدیل شده اند و توده کارگران بدون توافق و تصویب آنها نمیتوانند تکان جدی ای به خود بدهند. رانده شدن توده کارگران به این شرایط و نقش و جایگاه کنونی اتحادیه ها در سیستم

دامن بزنند. صاحبان کمپانیهای صنعتی تهدید بستن کارخانه ها و انتقال تولید به کشورهای با دستمزدهای پایین و شرایط بی حساب و کتاب تر کار را بالای سر کارگران قرار داده اند. بعبارت دیگر، اینکه در گوشه ای دیگر در جهان کارگرانی هستند که نیروی کار خود را ارزاتر میفروشند به عامل جدی ای برای فشار بر کارگران در کشورهای صنعتی تر تبدیل شده است. همین دقیقاً عاملی بود که اخیراً کارگران را در آلمان وادار به قبول قراردادهایی با زمان طولانی تر کار به شرط لغو تصمیم به انتقال تولید به کشورهای اروپای شرقی کرد. و همین در فرانسه نیز بعنوان محملی در دست دولت دست راستی برای لغو دوفاکتوی قانون ۳۵ ساعت کار مورد استفاده قرار گرفت.

مساله اینست که جنبش کارگری توانسته است از کمرنگ تر شدن مرزها و سیاستهای جهانی شدن یا سیاستهای فراملیتی مثل نمونه اتحادیه اروپا برای ارتباط تنگاتنگ تر کارگران در سطح جهانی سود جوید و شرایط کار را در تمام کشورها بهبود بخشد. گلوبالیزاسیون در چارچوبی که تاکنون پیش رفته به بدتر شدن شرایط کار و زندگی کارگران منجر شده است. میلیونها نفر از کارگران به فقر بیشتر رانده شده اند. حقوق و دستاوردهای کارگری مورد تعرض قرار گرفته است. و جنبش کوتاه کردن ساعت کار نیز بهمراه سایر شرایط کارگران از جهانی شدن اقتصاد لطامت جدی دیده است. این روند میتواند و باید اساساً دگرگون شود. کنار رفتن مرزها از نظر تاریخی زمینه عینی و تاریخی مساعدتری را برای اتحاد طبقاتی کارگران فراهم میکند. جنبش کارگری باید بتواند و میتواند از این روند به نفع خویش و برای ایجاد یک اتحاد تاریخی و طبقاتی قدرتمند

و قوانین حاکم و در مبارزات کارگری تاریخ طولانی ای دارد که یک سر آن به سیاست ضد کمونیستی دولتهای سرمایه داری و کل بلوک غرب علیه رشد رادیکالیسم کارگری و کمونیسم در کشورهای غربی وصل است. اتحادیه های کنونی از نظر تاریخی عمدتاً گرایشات و انشعاباتانی راست و لیبرالی از تشکلهای رادیکال کارگری اوایل قرن بوده اند. بورژوازی جهانی مجموعاً موفق شد گرایش رادیکال-سوسیالیست را به حاشیه براند و با فشارهای سیاسی، مالی، تبلیغاتی، و حتی بعضاً استفاده از تهدید و ترور و استفاده از ابزارهای قانونی و حقوقی مانع گسترش این گرایش و این بخش از جنبش کارگری شود. در سالهای اخیر کارگران وسیعاً از سیاستهای حاکم بر اتحادیه ها فاصله گرفته اند. اما آنچه اکنون شاهدیم اینست که اعتراض به نقش اتحادیه ها در سالهای اخیر خود را اغلب به صورت اتحادیه گریزی نشان داده است و عضویت در اتحادیه ها طی چند دهه اخیر بسیار کاهش یافته است. اما این اتحادیه گریزی هنوز به شکل گیری سازمانهای وسیع و از نظر اجتماعی موثر رادیکالتر نینجامیده است و در نتیجه بجای تقویت طبقه کارگر باعث تضعیف کارگران شده است. این جنبه از مساله و نقش اتحادیه ها و موقعیت و چشم انداز گرایش رادیکال و سوسیالیستی در میان کارگران را امیدوارم بتوانیم جداگانه مورد بررسی قرار دهیم.

چشم انداز جنبش کاهش زمان کار:

کاهش ساعت کار نه فقط یک خواست همه گیر در میان کارگران، بلکه یک امر گریز ناپذیر تاریخی است. اولاً همینکه کارگران ساعت کوتاه تر کار و مشخصاً ۳۵ ساعت کار را تجربه کرده اند خود نیروی عظیمی را در جامعه پشت این خواست بسیج کرده است که خنثی کردن آن ممکن نیست. در فرانسه یکی از بزرگترین اعتصابات و تظاهرات کارگری در همین ماههای فوریه و مارس در دفاع از ۳۵

زنده باد وحدت کمونیستی کارگران

کیانوش حمیدی

افزایش دستمزدها دارند و این با یک جنبش و رهبری رادیکال و قدرتمند امکان پذیر است. در واقع به همین دلیل و با وساطت اتحادیه ها در تمام کشاکش هاییکه بر سر کاهش زمان کار صورت گرفته کارگران نهایتا ناچار شده اند امتیازاتی از قبیل انعطاف پذیری و انقباض دستمزدها را بپذیرند. با وجود این به دلیل فشار کار طولانی و فرساینده، خواست کاهش ساعت کار به ۳۵ ساعت و حتی کمتر از آن یک خواست عمومی در میان کارگران است. اینکه اکنون با گسترش رکود اقتصادی، دولتهای بورژوازی و صاحبان سرمایه ها تعرض به تمام دستاوردهای کارگران و از جمله ۳۵ ساعت کار را گسترش داده اند، بهیچ وجه به معنای یک عقب نشینی طولانی مدت برای این جنبش نیست. کاهش زمان کار از یک پایه محکم اجتماعی و اقتصادی و تاریخی برخوردار است و نشانه هایی از رشد گرایش رادیکال در جنبش کارگری که بتواند این جنبش را در تمام ابعاد آن نمایندگی کند در میان کارگران قابل مشاهده است. این گرایش هنوز در سطوح تعیین کننده ای که به جنبش کارگری شکل دهد مشاهده نمیشود. اما این زمینه و این امکان کاملاً وجود دارد که با کنار زدن موانعی که اشاره شد این جنبش با قدرت بیشتری سر بلند کند. گرچه خوردن کاهش ساعت کار به امر سازمانیابی بین المللی کارگران و به مساله دستمزدها این زمینه عینی را ایجاد میکند که دور بعدی اوجگیری جنبش کاهش ساعت کار، با تحولی در کل فضای سیاسی جنبش کارگری همراه شود. طبقه کارگر ناچار است برای جلوگیری از تحمیل یک عقبگرد تاریخی، خود را در تمام زمینه ها بازسازی و سازماندهی کند و با نیازهای مبارزه در عصر جهانی شدن منطبق نماید. میتوان امیدوار بود که سیمای جنبش کارگری در چند سال آتی عمیقاً در اثر تحولات اقتصادی و سیاسی و تکنیکی جهانی متحول شود. کاهش جدی ساعت کار تنها یکی از نتایج چنین تحولی میتواند باشد. *

افشای چهره کریه ابزارهای بازتولید سرمایه داری اسلامی یعنی افشای ناسیونالیسم و مزخرفات مذهبی بود و کارگران اعلام داشتند که اینها را میشناسند و دیگر در میان آنها جایی ندارد.

در این روز ما در کارخانه لوله سازی سلفچگان، اگر چه بدلیل ترس کارگران و شانتاژهای کارگران نتوانستیم جشن بگیریم، اما در بین کارگران شکلات با برچسبهای روز جهانی کارگر مبارک باد را پخش کردیم و استقبال گرمی از آن شد. این کار باعث شد که کارگران به یکدیگر روز اول مه را تبریک بگویند. این اولین بار بود که در این کارخانه که شش سال از تاسیس آن میگذرد صحبتی از اول مه به میان آمد. از اینرو اینکار تعجب مسئولین کارخانه را به دنبال داشت و بلافاصله بعد از توزیع شکلات به مناسبت اول مه، از طرف کارفرما ساعت ۱۱ صبح اطلاعیه ای که در آن نوشته شده بود "روز کارگر بر کارگران کارخانه مبارک باد" در سالن اداری نصب شد. اما کارگران آنرا پاره کردند. کارگران میگفتند که کارفرما تازه فهمیده است که امروز اول مه است و ارزش کارگر در نزد او پوچ است و خلاصه بحث داغی در میان کارگران برانگیخت.

و اما آخرین اخبار را بگویم. از فروردین ۸۴ تاکنون حدود ۴۰ تا ۵۰ نفر از کارگران را تسویه و اخراج کرده اند. اخراج این کارگران به بهانه هایی مختلف، از جمله بهانه دیر آمدن به سر کار، شرکت نکردن در

ساعت کار صورت گرفت. اینکه نظر سنجی ها نشان داد که ۷۰ درصد مردم فرانسه و ۸۵ درصد کارگران مخالف افزایش ساعت کار حتی با افزایش دستمزدها هستند، شاخص آشکار و مهمی برای نشان دادن جایگاه جنبش ۳۵ ساعت کار است. در آلمان نیز کارگران در ابعادی صدها هزار نفری با افزایش ساعت کار مخالفت کردند. مساله بسادگی اینست که عقبگردهای موقت غیر ممکن نیست اما تاریخ را نمیتوان به عقب بازگرداند. ثانیاً در شرایط رشد عظیم بارآوری کار کارگران، حتی برای جلوگیری از بحرانهای عظیم اجتماعی باید ساعت کار کاهش یابد. بنا به یک بررسی تا ۳۰ سال آینده با رشد عظیم تکنیک و با فرض ساعت کاری در حد فعلی، برای میزان تولیدات فعلی در سطح جهان، در حدود ۲ درصد نیروی کار فعلی مورد نیاز است. این برخلاف آنچه ممکن است در نگاه اول بنظر برسد بیانگر قدرت عظیم طبقه کارگر است. این میتواند چشم اندازی امیدبخش را در برابر جامعه بشری بگشاید. خود همین واقعیت گویای اینست که چقدر نظام سرمایه داری با نیازها و آرمانهای بشری در تناقض قرار گرفته است. رشد بارآوری کار بجای اینکه تولید کنندگان مستقیم را و به همراه آنها کل بشریت را از مشقت و بردگی رها کند، در این نظام بر ابعاد بی تمانینی و بیکاری و مشقت خود آنها میافزاید. خود همین آمار حتی اگر آنرا چند برابر در نظر بگیریم بیانگر اینست که حفظ زمان کار فعلی به معنای یک بحران بیکاری عظیم و گریزنپذیر و خطرناک در سطح جهان است که کل نظام سرمایه داری را به زیر سوال میکشد. اما مساله ایجاد اشتغال بناگزی به کاهش زمان کار گره میخورد. زمان کار از سوی دیگر به دستمزدها گره خورده است. تا زمانی که دستمزدها کفاف پاسخگویی به نیازهای فزاینده کارگران را نمیدهد گرایش به اضافه کاری هرگونه ساعت کار رسمی را به زیر سوال میکشد. کارگران نیاز به کاهشی در ساعت کار و همزمان

در دنباله بحث ۳۵ ساعت کار، در شماره آینده مطلبی تحت عنوان ۲ نمونه تاریخی از مبارزه بر سر ۳۵ ساعت کار از کاظم نیکخواه منتشر میشود.

کارگر کمونیست

را تکثیر کنید و آنرا بدست دوستان و
آشنایانتان برسانید!

کیانوش حمیدی
از کارخانه پوشش لوله سلفچگان
۱۸ اردیبهشت ۸۴

ضرورت ایجاد تشکلهای فراگیر در بخش ساختمان

مرتضی کیوان

در شرایط حاضر و با توجه به وضعیت عمومی در جامعه ضرورت ایجاد تشکلهای کارگری و تشکلهای اجتماعی علی‌العموم بیش از هر زمان دیگر احساس میشود. بهمین دلیل این امر به اشکال مختلف در دستور کار گروههای اجتماعی قرار دارد.

همواره کسب ابتدائی ترین خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی و تحمیل شرایط انسانی تر به گردانندگان ساختار اقتصادی و سیاسی جوامع موجود در هر کجای جهان تنها در گرو مبارزات اجتماعی متشکل حول خواسته‌های مشخص و معین است. ابزار چنین مبارزه‌ای تشکلهای متعارف در سطوح و اشکال مختلف است. این تشکل‌ها نه فقط بیانگر نیازهای هر دوره مشخص بل معیاری برای تشخیص موقعیت عینی و ذهنی هر طبقه در دوره‌های گوناگون میباشد. وجود چنین ارگانهایی از یکسو باعث تحولی در گروههای انسانی به مثابه انسانهای متشکل میگردد و از سوی دیگر اشکال مختلف سازمانیابی اجتماعی را از ساده به پیچیده تغییر میدهد.

سالهست که بنا به دلایل مختلف از جمله روند صنعتی شدن جامعه و ازدیاد جمعیت بخش ساختمان بطور عمومی چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی از رشته‌های سودآور سرمایه‌گذاری بوده است و در اکتدترین دوره‌های اقتصادی این بخش سهم زیادی از سرمایه در جریان را به خود جذب نموده است. دلیل عمده سودآوری این بخش وجود نیروی کار فوق العاده ارزان و بی‌حقوقی است.

در مراحل ابتدائی صنعتی شدن به دلیل در اکثریت بودن نیروی کار مهاجر روستائی و فصلی غیر حرفه‌ای در این بخش بی‌حقوقی در رشته‌های مختلف ساختمانی نهادینه گردید.

با شکلگیری سرمایه‌های بزرگ و متمرکز و نیاز این صنعت به نیروی کار ماهر و حرفه‌ای طیف

وسعی از کارگران ماهر و نیمه ماهر در این بخش ظاهر گردیدند اما بدلیل پراکندگی و دوری کارگاه‌های بزرگ ساختمانی از یکدیگر تشکلهایی که بتواند از حقوق اقتصادی و اجتماعی این گروه از کارگران دفاع نماید به وجود نیامد. در جریان انقلاب ۵۷ بر بستر عمومی ظهور تشکلهای کارگری کارگران بخش ساختمانی نیز عموماً در تشکلهای عمومی تر مانند تشکلهای کارگران بیکار و یا کارگران فصلی مجتمع گردیدند اما از آنجا که این نوع تشکلهای به شکلی مشخص نمایندگی کارگران بخش ساختمانی را عهده دار نبودند کارگران این رشته همچنان به سازمانهای اجتماعی متناسب با موقعیت بخش‌های مختلف خود دست نیافتند.

پس از سالهای دهه ۶۰ با رشد سریع جمعیت و راه اندازی مجدد طرحهای عمرانی گسترده توسط دولت نیروی کار شاغل در این رشته وسیع تر و حرفه‌ای تر گردید. اینبار علاوه بر بنگاه‌های اقتصادی بزرگ در بخش ساختمان وجود سرمایه‌های متوسط و کوچک در این رشته به پراکندگی کارگاههای ساختمانی دامن زد.

سودآوری نجومی سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان و نیازهای این سرمایه‌ها به نیروی کار باعث افزایش کمی نیروی کار شاغل در این بخش و همچنین شکلگیری نیروی کاری با تخصص‌های کاملاً منطبق با نیازهای رشته ساختمان گردیده است. بسته شدن سیکل مهاجرت نیروی کار ساده از روستا به شهر و حضور طولانی مدت و دائمی کارگرانی با تبار افغانی و نیاز این کارگران به حضور در بازار کار از دلایل دیگر شکلگیری گروهی از کارگران در میان طبقه با هویت تولیدی و تخصصی معین و مشخص است. این گروهها بطور مثال شامل کارگران ساده و متخصص، تکنسینهای ماشین آلات، تعمیرکاران، کارگران

تاسیسات مکانیکی و برق، کارگران بخشهای مختلف دکوراتیو و ... میشوند.

تغییراتی که در سالهای اخیر در تمامی بخشهای کارگری بوقوع پیوست در این قسمت نیز مشهود است. میانگین سنی جوان در این بخش که تابعی است از میانگین عمومی سنی جامعه دلایل خاص خود را نیز داراست. یکی از این دلایل عقب ماندگی تکنولوژیک این بخش از سرمایه‌هاست که دلیل اصلی آن ارزانی نیروی کار میباشد، به همین دلیل نیاز به قدرت فیزیکی باعث مقبولیت بیشتر جوانان برای کار در این رشته از سوی کارفرماهاست. دلیل دیگر نیز وجود بیکاری گسترده در میان جوانان تازه وارد به بازار کار است.

میزان متوسط سود مناسب در میان گروههای کارگری این بخش و وجود کارگران ماهر در زمینه ماشین آلات و بخشهای صنعتی این رشته یکی دیگر از مشخصه‌های نیروی کار در این رشته است. امروزه بخش گسترده‌ای از کارگران افغانی تبار مانند همکاران ایرانی تبارشان در بخشهای مختلف با تخصص مربوط به همان رشته بشکل دائم و حرفه‌ای مشغول بکارند، و مانند سایر کارگران این رشته و به شکلی مضاعف از ابتدائی ترین حقوق اجتماعی بی‌بهره‌اند.

امروز دیگر تصویر رایج از کارگر ساختمانی، کارگری بقیچه به دست درکنار میدان در انتظار معمار، نیست. اگر هنوز هم برخی از میادین محل خرید و فروش نیروی کار این کارگران است اما نه آن میدان میدان سابق است و نه آن کارگر.

امروز کارگران مهاجر و فصلی دهه‌های گذشته عموماً در شهرکها و مناطق فقیرنشین شهرهای بزرگ ساکن گردیده‌اند و جمعیت اصلی در محلات کارگری را تشکیل میدهند. در میان نیروی کار شاغل در بخش ساختمان قشر وسیع و جوانی از کارگرانی با تخصص میانی

(تکنسینها و کارگران فنی) وجود دارد که لایه میانی محسوب میشوند. این گروه اگرچه گاهی از تحصیلات دانشگاهی نیز برخوردار است اما همچنان وضعیت اقتصادی و اجتماعی اش تابعی از بی‌حقوقی سایر کارگران در رشته ساختمان است. این گروه از کارگران بدلیل ارتباط بی واسطه و عمومی با بخشهای مختلف کارگران و جوانی و موقعیت نامتعادل اجتماعی پتانسیل زیادی در جهت سازماندهی اعتراض اجتماعی نیروی کار شاغل در بخش ساختمان را دارد.

با وجود سودآوری غیر قابل تصور در این بخش و وسعت بسیار زیاد نیروی کار شاغل در کارهای ساختمانی اما کارگران شاغل در این رشته از بی‌حقوق ترین و بی ثبات ترین موقعیت شغلی برخوردارند. دلیل عمده این وضعیت جدای از شرایط عمومی نا عادلانه در کل جامعه عدم وجود همبستگی درونی و عدم تشکلهای اجتماعی مربوط به کارگران در این رشته است. امروز حتی در کوچکترین کارگاههای ساختمانی حداقل ۱۰ تا ۱۵ کارگر مشغول بکارند اما جدائی میان شاخه‌های مختلف تخصصی و وجود اشکالی از پیمانکاری در میان این کارگران باعث گردیده که این نیروی وسیع از تشکلهای خود بی بهره باشد.

مهمترین گام در جهت ایجاد همبستگی درونی در میان این نیروی اجتماعی نهادینه کردن سیاست برابری میان کارگران ایرانی تبار و کارگران افغانی تبار است. تنها در صورتی میتوان از تشکلهای فراگیر کارگری در این بخش سخنی به میان آورد که رفع اختلاف دستمزد و سایر حقوق کارگران شاغل ساختمانی را به

خواسته‌ای بدیهی در میان کل کارگران این رشته تبدیل کرد و با این سیاست از رقابت و اختلاف در میان بخشهای مختلف کارگری جلوگیری نمود.

تبدیل نیاز به تشکلهای سراسری به مسئله فوری و حیاتی برای فعالین و کارگران این رشته گامی تعیین کننده و عملی در جهت همبستگی درونی این بخش است. تثبیت حقوق اجتماعی و اقتصادی این بخش از نیروی کار میتواند تاثیرات تعیین کننده‌ای بر سایر بخشهای کارگری در پی داشته باشد. ایجاد تشکلهای کارگری در بخش ساختمان بدلیل گستردگی و کمیت نیروی کار شاغل در این رشته علیرغم پراکندگی جغرافیایی و همچنین تشابه شرایط عمومی این کارگران گامی مهم در تشکلیابی طبقه کارگر در معنای عمومی آن است.

از راههای عملی در این زمینه ایجاد شوراهای عمومی کارگران ساختمان با شاخه‌های متفاوت تخصصی است، به طریقی که بتوان هم در جهت دستیابی به حقوق عمومی شاغلین تلاش نمود و هم شرایط ویژه هر لایه تخصصی را در نظر گرفت.

با توجه به شرایط عمومی جامعه و توازن قوای موجود متشکل شدن نیروی کار نه فقط امکان پذیر بلکه ضروری است. میتوان با تبادل نظر فعالین کارگری در رشته‌های مختلف و استفاده از تجربیات گذشته و حال سایر بخشها ی کارگری به ایجاد تشکلهای کارگری در بخش ساختمان مبادرت کرد.

مهمترین گام در این راه مرتبط و همبسته کردن فعالین اجتماعی در قسمتهای مختلف این رشته است.*

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران
مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

کمپین برای آزادی فعالین کارگری در ایران

با اعلام کمپین حزب کمونیست کارگری ایران برای آزادی دو تن از فعالین کارگری "صادق امیری" و "پرویز سالاروند"، در خارج کشور نیز کمپینی برای آزادی فعالین کارگری به جریان افتاد. کاظم نیکخواه دبیر کمیته خارج کشور حزب در نامه ای به سازمانهای و اتحادیه های کارگری از آنها تقاضای کمک کرد و از جمله چنین نوشت: این نامه را برای تقاضای کمک از شما برای آزادی دوتن از فعالین کارگری که توسط جمهوری اسلامی ربوده شده اند برایتان مینویسم. بنا به گزارش "کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری" در ایران، صادق امیری یکی از فعالین کارگری که با این کمیته همکاری داشته روز پنج شنبه ۵ مه امسال توسط سه نفر که خود را مامورین وزارت اطلاعات رژیم اسلامی معرفی کرده اند در محل کار خود دستگیر شده و از آن زمان از او خبری در دست نیست....

بعلاوه بنا به گزارش گروهی از کارگران شرکت ایران خودرو اکنون حدود یک ماه است که یکی از کارگران این شرکت بنام پرویز سالاروند توسط مامورین حکومت اسلامی ربوده شده و از او نیز هیچ نشانی وجود ندارد. مدیریت "سازمان حراست کارخانه" که ارکان پلیسی حکومت در کارخانه است، اکنون ۲۵ روز پس از ربوده شدن پرویز سالاروند و بعد از اعتراضات وسیع کارگران به ربوده شدن او، در اطلاعیه ای از دستگیری او بعنوان یک "خرابکار" خبر داده که به "خرابکاری" خود اعتراف کرده است. اینها در ایران کدهای آشنایی است که از یک توطئه چینی جدی و خطرناک علیه این فعال کارگری توسط جمهوری اسلامی خبر میدهد. جمهوری اسلامی این کارگران را بخاطر دفاع از خواستههای صنفی خود ربوده و زندانی کرده است. زندگی این کارگران بطور جدی در خطر است.

در پاسخ به این کمپین فرد میوزین رئیس اتحادیه

بیمارستانهای کانادا- بریتیش کلمبیا نامه ای اعتراضی به خاتمی نوشت و در آن از جمله چنین گفت: "... تاکتیک سرکوب و تهدید کارگران بهیچ وجه قابل قبول نیست و لکه ننگی در کارنامه حکومت شماسست. ما مصرأ از شما میخواهیم که آقای صادق امیری و پرویز سالاروند را فوراً آزاد کنید و امنیت و سلامت آنها را تضمین کنید. ما از حکومت شما میخواهیم که حقوق انسانی را برسمیت بشناسد و به این حقوق احترام بگذارد و اجازه دهد که کارگران قراردادهای آزادانه و عادلانه را منعقد کنند. "همچنین از اتحادیه هتل و رستورانهای نروژ شاخه ۱ اسلو، "یورید تویتا" از بخش تشکیلاتی در نامه ای به حکومت ایران خواهان آزادی فوری صادق امیری و پرویز سالاروند شد و از حق تشکل و فعالیتهای آزادانه کارگران دفاع کرد. "حزب دموکرات - سوسیالیست" برمن در آلمان نیز طی نامه اعتراضی به خاتمی به دستگیری این فعالین اعتراض کرد. در این نامه آمده است: "آقای رئیس جمهور! طی روزهای اخیر صادق امیری و پرویز سالاروند به خاطر دفاع از حقوق کارگران دستگیر شده اند. ما به این دستگیری اعتراض نموده و خواهان آزادی بی قید و شرط فعالین کارگری دستگیر شده هستیم... ما فراموش نکرده ایم که در مراسم روز جهانی کارگر سال گذشته نیز تعدادی از فعالین کارگری بخاطر دفاع از حقوق جهانی خود دستگیر شدند. در این رابطه ما در تاریخ ۶ مه سال ۲۰۰۴ به شما نامه ای اعتراضی نوشتیم. در ایران نیز کارگران حق دارند برای خواستههای خویش مبارزه کنند."

بعلاوه با انتشار خبر دستگیری فعالین کارگری و چماقداری خانه کارگرهای جمهوری اسلامی از منابع مختلف، کنفدراسیون اتحادیه های آزادی بین المللی و فدراسیون کارگران فلز و کنگره کار کانادا و شماری از اتحادیه ها و تشکلهای

دیگر نیز دستگیری فعالین کارگری و تهاجم چماقداران "خانه کارگر" و "شوراهای اسلامی" به دفتر سندیکای شرکت واحد را محکوم کرده و به خاتمی نامه های اعتراضی نوشتند. کنت جرجی رئیس کنگره کار کانادا در نامه ای شدید اللحن به خاتمی که یک کپی از آن برای داود آرام کادر حزب کمونیست کارگری ایران در کانادا ارسال شده چنین نوشت: "از طرف سه میلیون نفر اعضای کنگره کار کانادا این نامه را یک بار دیگر در اعتراض به پایمال کردن جدی حقوق کارگران در کشور شما مینویسم. ما مطلع شدیم که آقای پرویز سالاروند کارگر کارخانه اتومبیل سازی ایران خودرو ربوده و "ناپدید" شده است. کارگران این کارخانه در اعتراض به بدتر شدن شرایط کار در کارخانه به این دلیل که مدیریت بطور سیستماتیک کارگران را زیر فشار قرار داده که تولید را افزایش دهند، دست به اعتراضاتی زده اند. کارگران اجازه تشکیل اتحادیه را ندارند و بسیاری از آنها اکنون با قراردادهای موقت استخدام شده اند که باعث میشود آنها از هیچگونه از حقوقی که کارگران استخدام دائم از آن برخوردارند نتوانند استفاده کنند... پرویز سالاروند کارگر ایران خودرو بخاطر پشتیبانی از خواستههای کارگران موقت روز ۱۲ آوریل توسط حراست کارخانه دستگیر شد. سپس در زیرزمین کارخانه توسط "حراست کارخانه" بطرز خشونت آمیزی مورد بازجویی قرار گرفت و ۲۵ روز از او خبری نبود. تازه بعد از آن بود که حراست کارخانه تایید کرد که او بازداشت شده اما اطلاعات بیشتری او وضعیت او نداده است.

بعلاوه روز ۹ مه ۲۰۰۵ بیش از ۳۰۰ نفر از خانه کارگرها و شوراهای اسلامی شرکت واحد به نشست کمیته موسس سندیکای این کارخانه حمله کردند. این نشست در ساختمان انجمن کارگران خباز برگزار شده بود. به ما اطلاع داده شده است که ده تن از اعضای کمیته موسس

سندیکا مورد حمله قرار گرفتند و مهاجمین همچنین به ساختمان نیز آسیب وارد کردند و درها را و پنجره ها را شکستند، اسناد را پاره کردند و کتابهای کتابخانه را از بین بردند... بنا به این گزارش یکی از مهاجمین تلاش کرد زبان و گردن منصور اسانلو را با چاقو ببرد. حسن صادقی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی دست آقای اسانلو را از پشت گرفته بود که این مهاجم بتواند به این اقدام دست بزند. منصور اسانلو بعداً به بیمارستان منتقل شد و زبان و گردنش را بخیه کردند.

کنگره کار کانادا هم صدا با کنفدراسیون اتحادیه های آزاد بین المللی این اقدامات خشونت آمیز را محکوم میکند. متأسفانه ما ناچاریم مدام برای شما در اعتراض به نقض حقوق کارگران نامه اعتراضی بنویسیم... ایران بعنوان عضو سازمان بین المللی کار آی ال او موظف است که به اصول پایه ای در مورد آزادی تجمع و حق قرارداد جمعی که در مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ آی ال او تصریح شده احترام بگذارد و به آنها عمل کند."

یادآوری کنیم که شماری دیگر از سازمانها و اتحادیه های کارگری بین المللی نیز اعتراض رسمی به جمهوری اسلامی را در دستور گذاشته اند.

آزادی صادق امیری

روز ۱۶ مه ماه صادق امیری آزاد شد. جمهوری اسلامی او را با وثیقه ای به مبلغ ۵۰ میلیون تومان آزاد کرد. در این رابطه نیز در نامه ای به اتحادیه های کارگری و کنفدراسیون اتحادیه های آزاد دبیر کمیته خارج کشور حزب با اطلاع دادن آزادی او و اینکه پرویز سالاروند هنوز در زندان بسر میبرد، خواهان ادامه فشار بر جمهوری اسلامی برای لغو تمام

اتهامات علیه صادق امیری و آزادی پرویز سالاروند شد. در این نامه از جمله چنین آمده است: "قبلاً نامه ای در مورد دستگیری دو تن از فعالین کارگری توسط مامورین جمهوری اسلامی برایتان نوشتم. خوشحالم به اطلاعاتتان برسانم که بنا به اطلاعیه "کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری" یکی از این کارگران دستگیر شده یعنی صادق امیری ۲۴ اردیبهشت آزاد شد. جمهوری اسلامی او را با گرفتن وثیقه ای به مبلغ ۵۰ میلیون تومان آزاد کرده است. نفس آزاد شدن صادق امیری یک رویداد مهم در جنبش کارگری ایران است که بدون دخالت و اعتراضات کارگران و سازمانهای کارگری در ایران و سراسر جهان عملی نبود. جمهوری اسلامی اما میخواهد صادق امیری را به اتهام اقدام علیه امنیت کشور و انتشار اعلامیه و اوراق غیر قانونی مورد محاکمه قرار دهد. این اتهامات در قوانین حکومت اسلامی میتوانند محکومیتهای سنگینی را در پی داشته باشد. جمهوری اسلامی در بیست و پنج سال گذشته تاکنون هزاران نفر را به همین اتهامات به زندانهای طویل المدت و حتی اعدام محکوم کرده است. صادق امیری عضو و نماینده "کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری" و سازمان دهنده یک مراسم اول مه در تهران است. تمام گناه او همین است. حکومت اسلامی میخواهد با پرونده سازی او را از سر راه بردارد. بعلاوه یکی دیگر از کارگران یعنی پرویز سالاروند کارگر کارخانه ایران خودرو هنوز در زندان بسر میبرد و جمهوری اسلامی میخواهد او را نیز به جرم خرابکاری محاکمه کند..."

کمپین حزب کمونیست کارگری ایران به اشکال مختلف از جمله برپایی تظاهرات و پیکت و افشاکاری علیه جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت. *

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

جایگاه شکایت و قانون برای گرفتن حق کارگر

نکاتی درباره نامه رفیق مهران بابائی

فاتح بهرامی

رفیق مهران عزیز،

ضمن تشکر از ارسال نامه ات برای کارگر کمونیست، نوشته شما تحت عنوان "نکاتی در مورد پیشبرد کمپین ایجاد تشکلهای آزاد کارگری" در همین شماره کارگر کمونیست منتشر شده است. در اینجا لازم میدانم درباره جایگاه قانون و شکایت برای گرفتن حق کارگر به نکاتی اشاره کنم.

قطعاً ضرورت دارد که کارگران به قوانین آشنا باشند تا اگر مواردی از قانون حق را برای کارگر برسمیت شناخته است کارگر بتواند در مبارزه اش به آن استناد کند و آنجا که قانون علیه حقوق کارگران است، و این عمومیت دارد، برای تغییر آن دست به مبارزه بزنند. بهمین دلیل است که یک وجه مبارزه کارگر همه جا و همیشه مبارزه علیه قوانینی است که دست سرمایه داران و دولت آنها را برای تعرض به حقوق کارگران باز میگذارد. اما در کنار اهمیت آشنایی به قوانین، با توجه به موقعیت فرد کارگر در مقابل قدرت سرمایه و کل سیستم حکومتی، توجه به مکانیزم مبارزه برای گرفتن حق کارگر از سرمایه دار و دولت بسیار مهم و ضروری است. صراحت قانون برای برسمیت شناختن حقوق کارگران لزوماً برخوردار شدن کارگران از این حقوق را تضمین نمیکند، اینها دو چیز متفاوت هستند. عدم وجود قوانین ناظر بر حقوق کارگران مسلماً دست دولتها و سرمایه داران را برای تعرض هرچه بیشتر به حقوق کارگران باز میگذارد. اما وجود چنین قوانینی، که خود محصول و دستاورد مبارزات قبلیتر طبقه کارگر بوده است، هرچند کارگر را در موقعیت بهتری برای گرفتن حقوقش قرار میدهد اما به اجرا درآوردن این قوانین عموماً به توازن قوا، زور طبقه کارگر، و متشکل بودن این طبقه گره میخورد. در جایی مثل ایران که جانوران وحشی اسلامی بر

زندگی و هست و نیست مردم حاکم هستند، حتی اگر با ذره بین بشود موادی از قانون را پیدا کرد که ظاهراً حقوقی را برای کارگران برسمیت شناخته است، اجرای این قوانین تماماً به اعمال قدرت و مبارزه جمعی و متشکل کارگر بستگی پیدا میکنند. گذشته از اینکه کل قوانین رژیم اسلامی و از جمله قانون کار آن تماماً ضد انسانی و ضد کارگری است، اتفاقاً نقض دائمی آنچه که مربوط به حق کارگر میشود به یک مساله عادی بدل شده است. مثلاً زیادند اما نمونه پدیده دستمزد معوقه بعد کافی گویاست. با وجودیکه پرداخت سر وقت دستمزد یک امر بدیهی و تصریح شده است اما بتعوی افتادن دستمزد کارگران به یک پدیده عادی نزد سرمایه داران بدل شده است. و در اینجا باید توجه کرد در جایی که دولت مدعی حافظ و مجری قانون به اعتراض کارگرانی که دستمزدشان را نپرداخته اند قشون میکشد و گلوله شلیک میکند، آنگاه امکان گرفتن دستمزد معوقه توسط شکایت فرد کارگر چه جایی پیدا میکند. حتی ما شاهدیم که هر جا اتحاد و مبارزه کارگران بعد کافی قدرتمند نبوده هنوز هم این دستمزدها پرداخت نمیشود. همین مثال نشان میدهد که چقدر کارگر میتواند بطور فردی روی شکایت خود به ارگانهای ضد کارگری حکومت تکیه کند تا حقش را بگیرد.

تا به بحث امکان گرفتن حق کارگر با اتکا به شکایت و دنبال کردن راههای قانونی برمیگردیم به چند نکته اساسی باید توجه کرد: ۱- هدف سرمایه دار کسب سود هرچه بیشتر است و تامین این سود اساساً از طریق استثمار کارگر تامین میشود. بنابراین از یک طرف سرمایه داران و دولت که نماینده طبقه سرمایه دار است با زبان خوش و به میل خود تن به قوانین و

شرایطی نمیدهند که سودشان را پائین بیاورد و در نتیجه هر جا بتوانند حتی قوانینی را که در جهت حقوق کارگران مجبور به تصویبش شده اند زیر پا میگذارند. ۲- کارگر منفرد قدرتی ندارد. کارگر اگر متشکل نباشد و اگر از طریق مبارزه متشکل برای گرفتن حقش اقدام نکند، عموماً نمیتواند با شکایت و با اتکا به حتی قوانینی که حق را به او میدهد حقوق پایمال شده اش را بگیرد چون زورش به سرمایه دار و دولت نمیرسد. بویژه در کشوری مانند ایران که بیحقوقی انسان جزئی از فلسفه وجودی حکومت است، دزدی و رشوه خواری در نهادهای مختلف حکومتی بشدت رواج دارد، بحران و بن بست اقتصادی و سیاسی رژیم همه کاربدستان حکومت و سرمایه داران را وادار کرده است که با عجله هر چه بیشتر کیسه هایشان را پر کنند، و بالاخره اینک خود دولت هم بزرگترین سرمایه دار است و منفعت مستقیم در بالا کشیدن حق کارگر دارد، آنگاه باید مطمئن باشیم که در این حکومت امیدی برای کارگر نیمه ماند که بتواند از طریق شکایت به خود دزد حقش را از دزد دیگر بگیرد. ۳- باید تاکید کرد که حق شکایت برای کارگران عملاً ارزشش روی کاغذ است. اولاً حتی اگر قوانینی مانند مثالهای شما در جهت استیفای حق کارگر وجود داشته باشد، در کنار آنها تبصره هایی نیز وجود دارند که بتوان نوعی زیر آن قوانین زد، قانون کار پر از این تبصره هاست. ثانیاً، کارگر حتی اگر دو شیفته کار نکند و قتش را ندارد که دنبال شکایتش را بگیرد. کلاً جواب شکایت کارگر را نمیدهند و اگر جواب هم بدهند آنقدر او را به این اداره و آن ارگان پاس میدهند تا از شکایت خود پشیمان بشود. ثالثاً، اگر کار به دادگاه بکشد، کارگر پول ندارد که وکیل بگیرد، و حاج آقای رئیس دادگاه هم که سبیلش توسط کارفرمای کارگر

نکاتی در مورد پیشبرد کمپین ایجاد تشکلهای آزاد کارگری

مهران بابائی

خدمت رفیق فاتح با سلام و خسته نباشید، با تشکر و تقدیر از زحمات شما و با تایید کامل نظرات شما در مورد کمپین پیگیری ایجاد تشکلات آزاد کارگری میخواستم چند نکته ای را مطرح کنم. امیدوارم این نامه را در نشریه کارگر کمونیست درج کنید.

رهنمودهای شما کاملاً واقعی و انجام شدنی است، بخشی از خواسته ها را همچنین میتوان با اتکا به قانون که حتی در قانون کار هم تعاریف آن آمده است، پیگیری کرد. برای مثال اگر موردی مثل اخراج کارگر از طرف کارفرما پیش آمد میتوان (این موضوع صرفنظر از مبارزه ما علیه اخراج) دریافت بیمه بیکاری را با شکایت به وزارت کار دریافت نمود. یا مثلاً کارگر در صورت اخراج بجای حق سنوات یک ماه در ازای یک سال را میتوان با طرح شکایت به وزارت کار تا سه ماه در سال افزایش داد. یا مثلاً از سال گذشته سازمان تامین اجتماعی اعلام کرده است که بیمه شادگان در صورت وقوع سانحه تنها میتوانند به مراکز درمانی که متعلق به سازمان تامین اجتماعی است برای مداوا مراجعه کنند و اگر به مراکز دیگر بروند هیچگونه مابه التفاوت خسارت به بیمه شده تعلق نمیکند. که این موضوع

چرب شده قطعاً حق را به کارگر نمیدهد. ۴- تمام مواردی مانند اخراج، بیمه بیکاری، حق سنوات، و بیمه سوانح که در نامه رفیق مهران به آنها اشاره شده و موارد مشابه دیگر مشکل تعداد معدودی کارگر نیست بلکه اینها مسائل و معضلات طیف وسیعی از کارگران است. هر روز دسته دسته از کارگران را اخراج میکنند، بیمه و حق سنواتشان را نمیدهند، دستمزدشان را پرداخت نمیکند، جریمه شان میکنند، فشار کار را افزایش

میدهند، بخاطر اینکه سود سرمایه دار پائین نیاد پولی بابت ایمنی محیط کار خرج نمیکند و محل کار را به قتلگاه کارگران بدل کرده اند و دهها معضل دیگر برای کارگران درست کرده اند و سرمایه داران مرتباً زیر تعهدات روز قبلشان میزنند. و با این وضعیت و این طیف وسیع کارگران که هر روز حقشان زیر پا گذاشته میشود، نمیشود امید بست به شکایت نزد

چماقداران خانه کارگر و شوراهای اسلامی را باید از کارخانه ها بیرون انداخت

عوامل و اوباش خانه کارگر و شوراهای اسلامی به هیأت موسس سندیکای شرکت واحد را قاطعانه محکوم میکند و خواهان محاکمه سران خانه کارگر از جمله محبوب و صادقی و دیگر سردمداران چماقدار این تشکل پلیسی و ضدکارگری است.

حزب کلیه فعالین کارگری را به تلاش هرچه وسیعتر و سازمان یافته تر برای برپائی مجامع عمومی و دامن زدن به جنبش اعتصابی برای مطالبات بحق کارگران فرامیخواند. جنبش مجمع عمومی پاسخ مناسبی نه تنها برای اتحاد کارگران و پیگیری مطالبات و خواسته های آنها بلکه برای انحلال شوراهای اسلامی و بیرون راندن آنها از محیط های کارگریست.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ مه ۲۰۰۵، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۴

و شوراهای اسلامی جانی در میان کارگران ندارند و روزبروز منزوی تر و منفورتر شده اند. یورش دیروز آنها نیز از سر ترس و وحشت از انحلال کامل این ارگانها است. تحرک رو به رشد کارگران که خود را در اعتصابات گسترده، در تلاش وسیع برای ایجاد تشکل های واقعی و آزاد کارگری و بویژه در جنبش اول مه امسال نشان داد گوشه ای از حرکت رادیکال و مستقل کارگران در مقابل کل بساط سرکوب و استعمار و حکومت اسلامی و دار و دسته های مختلف آن است و به نوبه خود فضا را برای فعال مایشایی دم و دستگاه عریض و طویل خانه کارگر و شوراهای اسلامی بشدت تنگ میکند و این خود نشانه غیر قابل انکاری از ترس شوراهای اسلامی از بی اعتباری و منزوی شدن روزافزون آنها است.

حزب کمونیست کارگری حمله

و رادیکال از مراکز کارگری و دستگیری و اعدام بسیاری از آنها و با سرکوب خونبار جنبش کارگری، توسط حکومت اسلامی سازمان داده شدند تا جلو هر حرکت حق طلبانه کارگران و متشکل شدن کارگران را بگیرند. اینها حتی تحمل تشکلهای نیمه مستقل را هم ندارند. صادقی روز اول مه در جریان بهم خوردن مراسم خانه کارگر توسط کارگران معترض در ورزشگاه آزادی رسماً به شغل جاسوسی این ارگان اعتراف کرد و گفت اگر کسانی که اخلاص ایجاد کردند کارگر بودند شناسائی آنها برای ما ساده بود. اینها از جمله حامی رفسنجانی از جنایتکارترین مهره های رژیم هستند و این حمله را در عین حال باید به عنوان انتقام اینها از ناکام ماندن برنامه ها و توطئه های اول مه شان بحساب آورد.

واقعیت این است که خانه کارگر

آوردند و اسناد و مدارک هیأت موسس سندیکای مزبور را با خود به تاراج بردند. این حمله با حمایت مدیریت شرکت واحد و در حضور نیروهای انتظامی صورت گرفت. حسن صادقی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی در رسانه های رژیم صریحاً این تهاجم را مورد پشتیبانی قرار داد. بنگاه خبری راکتی شوراهای اسلامی، جریان ضرب و شتم منصور اسانلو توسط اوباش اسلامی را وقیحانه "خود زنی" توصیف کرد.

خانه کارگر و حراست و شوراهای اسلامی از همان آغاز تشکیل ابزار رژیم برای جاسوسی و شناسائی کارگران فعال و رادیکال، برای منحرف کردن مبارزه کارگران و جلوگیری از رشد و گسترش اعتراضات کارگری بوده است. اینها مشتاق چاقوکش و چماقدارند که با سرکوب و اخراج کارگران کمونیست

روز ۱۹ اردیبهشت ماه تهاجم سازمان یافته ای از روسای خانه کارگر رژیم، عوامل شوراهای اسلامی و حراست به هیأت موسس سندیکای شرکت واحد در تهران صورت گرفت. در جریان این تهاجم، چماقداران خانه کارگر و شوراهای اسلامی که توسط مسئولین خانه کارگر و کانون عالی شوراهای اسلامی هدایت میشدند، به نحوی وحشیانه با چاقو و چماق و مشت و لگد به جان فعالین این تشکل افتادند و بنا به این گزارش با چاقو یکی از مسئولین این سندیکا بنام منصور اسانلو را آنچنان با وحشیگری زخمی کردند که زبان او بریده شد و زخمهای متعددی برداشت و او را به بیمارستان نیروهای انتظامی منتقل کردند. تعداد دیگری نیز در این یورش مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. خسارات زیادی نیز به محل سندیکا وارد

باز هم جنایت باز هم حادثه، مرگ دلخراش یکی از کارگران شرکت ایران خودرو

بزیم اگر اعتراض کنیم به عنوان خرابکار دستگیر مان می کنند ویا هر روز احضار مان کرده باز جوئی می کنند و تا حالا برای يك بار نشده مسببین این حوادث شناسائی و مجازات شده باشند. آیا حتی يك بار شده وزارت کار برای جلوگیری از این حوادث سری به ما کارگران زده باشد. ما کسانی را قاتل همکاران خود می دانیم که شیوه پیمانکاری را راه انداختند. ما کسانی را قاتل کاظمی ها می دانیم که کارهای موقت را بنیان گذاشتند، ما وزارت کار را قاتل همکاران خود می دانیم که نظاره گر این جنایتها است ما کارگران ایران خودرو خواستار محاکمه قاتلین همکاران خود می باشیم که در این مدت جان خود را در اثر سوانح و نبود ایمنی از دست داده اند.

ما ضمن تسلیت به خانواده محترم کاظمی و کارگران سالن مونتاژ چهار از همه کارگران ایران خودرو می خواهیم که با اعلام همبستگی با کارگران سالن مونتاژ روز شنبه ساعت يك به عنوان اعتراض به نا امنیهای شغلی و کاری حدود ده دقیقه دست از کار بکشند.

جمعی از کارگران ایران خودرو
IKCOKAR@yahoo.com

همکاران بلا فاصله در دم جان سپرد. ما این حادثه جانگذاز را به خانواده همکار عزیزمان و کارگران خط مونتاژ چهار تسلیت گفته و اعلام میکنیم که روز پنجشنبه به عنوان اعتراض به این جنایت هولناک ساعت نه شب ده دقیقه دست از کار خواهیم کشید. و از دیگر همکاران در شرک می خواهیم به عنوان همبستگی با ما کارگران سالن مونتاژ چهار دست به کار بزنند.

جمعی از کارگران سالن مونتاژ چهار

دوستان و همکاران گرامی کاظمی نه اولین ونه آخر قربانی کاهش هزینه هاست بلکه قبل از کاظمی چندین نفر نیز از همکاران مان جان خود را در اثر نبود ایمنی و سپردن کار به پیمانکاران از دست داده اند و مطمئین هستیم تا زمانی که سیستم کاهش هزینه ها وجود دارد، تا زمانی برای فرار از استخدام کارگران کارها را به پیمانکار سپارند، از این حوادث باز هم خواهیم داشت. امروز تنها چیزی که برای مدیریت ارزش ندارد جان بی مقدار ما کارگران است، اگر حرف

دیشب ساعت ۲ بامداد در شیفت سوم یکی از کارگران شرکت ایران خودرو دچار حادثه شد و در دم جان خود را از دست داد این اتفاق در سالن مونتاژ چهار در اثر خرابی آسانسور روی داد.

حبیب اله کاظمی سرپرست خط مونتاژ پو ۲۰۶ که بیش از سی سال سن نداشت در اثر این سانحه دلخراش جان خود را از دست داد. ما مرگ این کارگر را به خانواده محترم وی و تمام کارگران ایران خودرو تسلیت می گوئیم.

دوستان و همکاران گرامی هنوز از دستگیری همکار مان عزیزمان پرویز سالاروند يك ماه نگذشته است، يك بار دیگر به نظاره گر حادثه ای دیگر نشستیم. یکبار دیگر یکی از همکاران خود را از دست دادیم. دیشب در سالن مونتاژ چهار در شیفت سوم ساعت ۲ بامداد همکار عزیز مان حبیب اله کاظمی در اثر خرابی آسانسور بالا بر جان خود را از دست داد این حادثه دلخراش چنان وحشتناک بود که

محدوده قوانین نمیتوانند از حقوق کارگرانی که نمایندگی میکنند دفاع کنند، چه رسد به ایران که کارگر بتواند بطور فردی با شکایت نزد مشتی دزد و مفتخور حقش را بگیرد، این ممکن نیست. کارگران باید متشکل شوند و برای گرفتن حقشان تنها میتوانند روی تشکل و اتحاد و همبستگی خود و بکارگیری ابزار قدرتمند اعتصاب حساب کنند.

درباره کمیته پیگیری قبلاً گفته ام که با توجه به امکان و نیروی محدود این کمیته لازم است توجهشان روی متحد کردن رهبران کارگری برای امر تشکلیابی کارگران و از اینطریق ایجاد و گسترش مجامع عمومی کارگری متمرکز کنند. درباره ایجاد مرکزی علنی با وظیفه خدماتی باید بگویم که بعید میدانم به امر و هدف این کمیته، یعنی ایجاد تشکل کارگری، خدمت کند. من از چند و چون امکانات کمیته پیگیری برای ایجاد چنین مرکزی اطلاعی ندارم و لذا توصیه ای نمیکم. *

رژیم سرمایه داران و قوانین ضد کارگریشان.

بحث من این نیست که کارگر نباید شکایت کند، این دست من و شما نیست. حتما تعدادی از کارگران از سرنوچاری شکایت میکنند و حتی ممکن است تعداد بسیار معدودی نتیجه ای هم بگیرند. مساله اینست که اولاً کل این حکومت و قوانین آن ضد کارگری است و بجز زور و بجز اعمال قدرت متشکل کارگر این حکومت به دادن حقوق کارگران تن نمیدهد. ثانياً مکانیزم گرفتن حق کارگر در نظام سرمایه داری بطور کلی و در یکی از هارترین آن در ایران از کانال مبارزه متشکل و رادیکال کارگران میگنرد. در کشورهایی که کارگران در اتحادیه ها متشکل هستند اما سندیکالیسم اساس مبارزه کارگر را در چهارچوب قانونگرایی محصور کرده و تازه زیر پا گذاشتن حقوق کارگر و قوانین موجود بسادگی ایران نیست، حتی در این کشورها این اتحادیه ها در

یک ماه پر جنب و جوش در جنبش کارگری در ایران

اخبار اعتراضی کارگران در یکماه اخیر

تنظیم: شهلا دانشفر

در یکماه اخیر اتفاقات مهمی در جنبش کارگری در ایران اتفاق افتاد، اتفاقاتی که پیشروی مهمی برای کارگران بود. یک اتفاق مهم در یک ماه اخیر برپایی باشکوه اول مه بود. اول مه امسال فضایی متفاوت نسبت به هر سال و فضایی اعتراضی با رنگ چپ و سوسیالیسم داشت. در اول مه امسال قطعنامه های متفاوتی از سوی کارگران داده شد، اما اکثر آنها جوهر واحدی داشتند و کیفرخواست کارگران علیه سرمایه داری بود. در اول مه امسال در استادیوم ورزشی آزادی، ۱۲ هزار کارگر، سالن را خالی کردند، شعار دادند، اعتراض کردند، مانع سخنرانی رفسنجانی شدند و خانه کارگر و شوراها را اسلامی را به رسوایی و شکست کشاندند. مراسم دولتی رژیم در استادیوم آزادی کنفرانس برلین دیگری برای رژیم بود. در اول مه امسال کارگران توانستند تعطیلی اول مه را دوفاکتور بر رژیم تحمیل کنند و بسیاری از کارخانجات بزرگ تعطیل بود. در اول مه امسال ما شاهد برپایی مراسم مستقل کارگران در سطحی گسترده و در همه شهر ها بودیم. به فراخوان "کمیت پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری" مراسم اول مه در تهران در سینما فردوسی و در سمنج و در کرمانشاه و دیگر شهرها برگزار شد.

در اول مه امسال این یک دستاورد برای کارگران بود که رهبران و فعالین کارگری با اسم و رسم خود به پشت میکروفون ها رفتند و سخنگوی خواستها و اعتراضات کارگران شدند. در سمنج کارگران با بلند کردن پلاکاردهای "کارگران جهان متحد شوید" و حمایت از کارگران فیلیور و کاشان در مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها و با مارش باشکوه خود روز اول مه روز همبستگی جهانی را جشن گرفتند. اول مه امسال یک اتفاق باشکوه تاریخی در جنبش کارگری ایران بود.

یک اتفاق مهم دیگر در یک ماه اخیر، گسترش دامنه جنبش اعتراضی برای خواست افزایش دستمزدها و بطور مشخص خواست افزایش دستمزد حداقل ۴۵۰ هزار تومان بود. با اعتصاب کارگران کارخانه فیلیور این اعتراضات وارد فاز جدیدی شد. پس از آن کارگران کشتی سازی صدرا در مجمع عمومی خود بر روی این خواست صحبت کردند و همانجا ۶۰۰ کارگر

طومار اعتراضی کارگران با خواست ۴۵۰ هزار تومان را امضا کردند. اما ادامه این امضا ها با ممانعت حراست در این کارخانه روبرو شد. همچنین این طومار در میان کارگران پالایشگاه نفت در اصفهان و کارگران کارخانجات لوله سازی کارون، فولاد اهواز و شهرداری آبادان به گردش درآمد و کارگران بر روی این خواست تاکید کردند. خواست افزایش دستمزدها و از جمله حداقل ۴۵۰ هزار تومان در قطعنامه ها و تراکت های اول مه در شهرهای مختلف مطرح شد و یک خواست مشخص کارگران در اول مه امسال بود.

در اعتراضات یک ماه اخیر نوشتن نامه های اعتراضی به نهادهای بین المللی و جلب حمایت و همبستگی کارگری در سطح جامعه و در سطحی بین المللی، شرکت خانواده های کارگری در اعتراضات کارگران، حمایت از اعتراضات کارگران در فیلیور و کاشان برای خواست افزایش دستمزدها، تلاش کارگران برای تشکیل صندوق های همبستگی مالی و بالاخره تلاش برای تماس با رادیوها و رسانه های خبری و تماس با تلویزیون کانال جدید برای رساندن صدای اعتراض به گوش جامعه همه اشکال مختلفی از اعتراض و مبارزه کارگران بود که از سوی کارگران بکار گرفته شد و نشانگر قدمهایی به جلو است که ما شاهد آن در جنبش کارگری در ایران هستیم. کارگران آلمین، کارگران پتروشیمی ماهشهر، کارگران فیلیور و برق تهران با تلویزیون کانال جدید تماس گرفتند و کوشیدند از این تریبون برای انعکاس صدای اعتراضشان استفاده کنند. کارگران آلمین سمنج به نهادهای بین المللی و به مردم سمنج نامه دادند و خواهان حمایت و پشتیبانی شدند. در اعتراض کارگران آلمین سمنج، ماشین سازی اراک و کارگران کارخانه پلاستیک روشن هجری در کرج، شرکت خانواده های کارگری در تجمعات اعتراضی کارگران بسیار چشمگیر بود که بسیار مهم است. خلاصه ای از اخبار اعتراضات و مبارزات کارگری سه هفته گذشته به قرار زیر است:

- روز ۲۵ اردیبهشت در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر، تعدادی از کارگران پتروشیمی فن آوران در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق در مقابل این شرکت دست به تحصن زدند.

کارگران پتروشیمی که حدود ۵۰۰۰ نفر میباشند، با پیمانکاران متفاوتی طرف حساب هستند و همگی با مشکل دستمزدهای معوقه درگیرند. روز ۲۶ اردیبهشت در بخش های دیگر کارگران پتروشیمی ماهشهر کارگران وارد اعتصاب شدند. تمام بخش های پتروشیمی را زمزمه اعتصاب فراگرفته است.

- کارگران رادیات سازی آلمین در سمنج از هفته اول اردیبهشت در اعتراض به اخراج ها و عدم ایمنی محیط کار دست به اعتصاب زدند. شب ۲۳ اردیبهشت کارگران در این کارخانه دست به تحصن زدند. روز ۲۴ اردیبهشت کارگران به اعتصاب خود ادامه دادند و ساعت ۹ صبح این روز خانواده های کارگران به تجمع آنان پیوستند. کارفرما برای برهم زدن تجمع کارگران و خانواده هایشان، در دسیسه ای جنایتکارانه اقدام به ربودن پسر یکی از کارگران بنام علی عباسی نمود که با مقابله کارگران روبرو شد. کارگران پس از درگیری کودک را نجات دادند. در این درگیری حسین میرکی یکی از کارگران آلمین بشدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و به بیمارستان منتقل شد. کارگران عصر روز ۲۴ اردیبهشت طی نامه ای مردم سمنج و کارگران مراکز کارگری را به شرکت در تجمع روز ۲۵ خود در مقابل اداره کار فراخواندند. بیش از ۱۵۰ نفر از کارگران نساجی کردستان و شاهر و شهرک صنعتی نیز طی طوماری از خواست های کارگران آلمین حمایت کردند.

- روز ۲۵ اردیبهشت ماه کارگران رادیات سازی آلمین در مقابل اداره کار تجمع کردند. کارفرما از ترس گسترش اعتراض، در ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه صبح با نمایندگان کارگران وارد مذاکره شد. کارفرمای آلمین با تبانی اداره کار تمام کارگران استخدام رسمی در این کارخانه را که ۸۳ نفر بودند، به تدریج از کار اخراج کرده است. با فشار کارگران کارفرما که در برابر هر سال یک ماه و نیم را طرح میکرد تاگزیر به عقب نشینی شد و در ازای هر سال به ۴ ماه و نیم حقوق رضایت داد. همچنین موافقت شد که دستمزد و مزایای دوره اعتصاب را هم پرداخت کنند و پرونده جمشید پرکائیان که در جریان کار ۴ انگشتش را از دست داده بود و قبلا او را مقصر شناخته بودند را بررسی کنند

تا خسارت او را پرداخت کنند.

- روز ۲۴ اردیبهشت کارگران نساجی کردستان در شهر سمنج به عدم اجرای تعهدات کارفرما و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل اعتراض کردند. علاوه بر این سهمیه شیر و کیس روزانه کارگران از اول سال ۸۴ قطع شده است. اینها تعهدات کارفرما بعد از اعتصاب قبلی کارگران است. کارگران اولتیماتوم داده اند که اگر تا ۴ خرداد ماه به این خواستها پاسخی داده نشود دست به اعتصاب خواهند زد.

- بسا به گزارشی در ۲۱ اردیبهشت، سرانجام کارگران نساجی پارس ایران رشت در ادامه مبارزات خود، کارفرما را مجبور کردند به هر کارگر یک میلیون تومان بابت ۱۲ ماه حقوق معوقه بپردازد.

- روز ۲۱ اردیبهشت ۲۰ نفر از کارگران کارخانه شماره ۲ رستندگی و بافندگی کاشان به نمایندگی از طرف کلیه کارگران کارخانه در اعتراض به نپرداختن ۱۲ ماه حقوق کارگران در مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند.

- روز ۱۹ اردیبهشت تهاجم سازمان یافته ای از روسای خانه کارگر رژیم، عوامل شوراها اسلامی و حراست به هیات موسس سندیکای شرکت واحد در تهران صورت گرفت. این حمله با حمایت مدیریت شرکت واحد و در حضور نیروهای انتظامی صورت گرفت. حسن صادقی رئیس کانون عالی شوراها اسلامی در رسانه های رژیم صریحا این تهاجم را مورد پشتیبانی قرار داد.

- روز ۱۹ اردیبهشت حدود ۱۰۰ نفر از خانواده های کارگران ماشین سازی اراک در اعتراض به فشار کارفرما برای تخلیه واحدهای مسکونی سازمانی، در مقابل استانداری استان مرکزی دست به تجمع زدند. این کارگران بابت اجاره خانه های سازمانی هر ماه نزدیک به ۱۵۰ هزار تومان پرداخت کرده و امیدوار بودند که این خانه ها پس از مدتی به آنان واگذار شود. هم اکنون ۴۰ خانواده کارگری با پایان مهلت قراردادشان در معرض از دست دادن مسکن های خود هستند.

- روز ۱۹ اردیبهشت کارگران شرکت نگین کار شیراز برای امنیت شغلی و دریافت حقوق معوقه خود در مقابل این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند.

- از روز ۱۷ اردیبهشت کارگران و کارمندان شهرداری سوسنگرد در اعتراض به نپرداختن حقوق و مطالبات خود دست به اعتصاب زدند و با اجتماع در مقابل شهرداری شهر خواهان پرداخت چندماه حقوق معوقه و دیگر

مطالبات خود شدند. روز ۱۹ اردیبهشت کارگران با گرفتن قول مساعد به اعتصاب خود خاتمه دادند. - روز جمعه ۱۶ اردیبهشت بیش از ۷۰۰ نفر از کارگران سد سیمره در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه دستمزدهای معوقه خود به همراه خانواده هایشان در محل کارخانه تجمع کردند.

- روز جمعه ۱۶ اردیبهشت دهها کارگر شهرداری گرگان در اعتراض به عدم پرداخت سه ماهه دستمزدهایشان در برابر شورای شهر و شهرداری دست به تجمع اعتراضی زدند. - طبق اطلاعیه کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری، روز ۱۵ اردیبهشت، صادق امیری از فعالین کارگری و از همکاران فعال کمیته پیگیری تشکل های آزاد کارگری دستگیر شد و در ۲۶ اردیبهشت به قید وثیقه از زندان آزاد شد.

- روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه کارگران کارخانه بهمین پلاستیک در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دستمزدهای خود توسط کارفرما در برابر ساختمان وزارت کار تجمع اعتراضی برپا کردند.

- در هفته دوم اردیبهشت کارگران و کارکنان فروشگاه قدس در اعتراض به تصمیم کارفرما مبنی بر تعطیلی این شرکت دست به اعتراض زدند و همراه با خانواده هایشان در محل شعبه هلال احمر این فروشگاه دست به تحصن زدند.

- روز سه شنبه ۱۳ اردیبهشت کارگران کارخانه پلاستیک روشن هجری در کرج در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود به همراه خانواده هایشان در برابر این کارخانه تجمع اعتراضی برپا داشتند.

- پرویز سالاروند کارگر ایران خودرو روز ۲۳ فروردین ربوده شده و اکنون در زندان بسر میبرد. پس از ۲۵ روز سکوت بالاخره حراست کارخانه طی اطلاعیه ای دستگیری پرویز سالاروند را تأیید کرد. پرویز سالاروند در جریان اعتراض به عدم پرداخت عیدی و پاداش و نیز اعتراض به دستمزدهای پائین بویژه دستمزد کارگران پیمانی توسط ماموران حراست ربوده و به زندان برده شد.

- در روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۱۴ و ۱۵ اردیبهشت حدود ۲۰۰ نفر از کارگران سد کارشان واقع در مسیر جاده سمنج - کامیاران در اعتراض به نپرداختن ۶ ماه دستمزد، پاداش و عیدی سالهای ۸۲ و ۸۳ و تمامی حقوق سنوات مربوط به دو سال گذشته خود دست به اعتصاب زدند. در ۱۹ اردیبهشت کارفرما اعلام کرده بود که

بازجویی، تهدید و بازداشت فعالین کارگری را محکوم میکنیم

وزارت اطلاعات محسن حسن زاده فعال
کارگری در کاشان را احضار کرد

بازجویی و تهدید و بازداشت آنان را شدیداً محکوم میکنیم. حزب کارگران ریسندگی و باندگی کاشان را فرامیخواند تا بلافاصله تشکیل مجمع عمومی بدهند، این عمل را محکوم کنند و از فعالین و رهبران خود دفاع کنند. کارگران ریسندگی و باندگی کاشان باید این مساله را جلی بگیرند و کاری کنند که وزارت اطلاعات دیگر جرات نکند فعالین کارگری را مورد تهدید قرار دهد. حزب همه کارگران و مردم را به دفاع از کارگران و محکومیت اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی فرامیخواند.

حزب همچنین این مساله را در سطح بین المللی دنبال میکند، سازمانهای کارگری و نهادهای مدافع حقوق انسان را از این مسائل بلافاصله مطلع میکند و آنها را به عکس العمل اعتراضی علیه جمهوری اسلامی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۸ اردیبهشت ۸۴، ۱۸ مه ۲۰۰۵

کامیاران نیروهای انتظامی در میدان شافعی مستقر شده و مانع تجمع کارگران و برگزاری مراسم اول مه شدند. - در کارخانه های لوله سازی کارون و کارخانه فولاد اهواز و در آبادان کارگران شهرداری کار را تعطیل کردند و با پخش شیرینی و بحث درمورد اول مه این روز را گرامی داشتند. در این مراسم بر حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان تاکید شد و قطعنامه ای از سوی انجمن آزادی برابری جنوب خوزستان پخش گردید.

- روز اول مه در ماهشهر تعدادی از کارگران پروژه ای شاغل در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر دست از کار کشیدند و با پخش شیرینی که در داخل آن تراکت تبریک روز اول ماه مه بود این روز را گرامی داشتند. در این روز در شهرهای اهواز و ماهشهر اعلامیه های انجمن آزادی و برابری جنوب خوزستان در رابطه با روز جهانی کارگر پخش گردید. *

طبق گزارشی که به حزب کمونیست کارگری ایران رسیده است امروز ساعت یازده صبح محسن حسن زاده فعال کارگری در کارخانه ریسندگی و باندگی کاشان را از سر کار به وزارت اطلاعات احضار میکنند و چندساعت بعد بدنبال بازجویی و تهدید او را آزاد میکنند.

جرم محسن حسن زاده این است که از حقوق کارگر دفاع کرده است. جرم او این است که گفته است کارگر نمیتواند با این دستمزد مثل انسان زندگی کند. جرمش این است که همراه با هزاران نفر دیگر از ریسندگی و باندگی کاشان و چند مرکز کارگری دیگر در کاشان گفته است دستمزد باید به حداقل ۴۵۰ هزار تومان برسد. وزارت اطلاعات فعالین کارگری را احضار میکنند و علیه شان پاپوش دوزی میکنند تا آنها را بترساند و مانع فعالیت آنها در دفاع از حقوق کارگر بشود.

حزب کمونیست کارگری احضار کارگران توسط وزارت اطلاعات و

مه دو نفر از کارگران دستگیر شده اول مه سال گذشته محاکمه شوند. اما شب قبل از آن رییس دادگستری این شهر تشکیل دادگاه را ملغی اعلام کرد. در سقر به کارگران اجازه برگزاری مراسم مستقل داده نشد. فرماندار شهر از محمود صالحی دعوت کرد که در مراسم خانه کارگر در سالن کاوه ۱۰ دقیقه سخنرانی کند، او در سخنرانی خود دستگیری کارگران بوکان در شب قبل از اول مه را محکوم کرد.

- در شهر بوکان در شب قبل از اول مه یکی از کارگران بنام اسماعیل خودکام که در حال پخش اعلامیه های مربوط به گرامیداشت اول مه بود، دستگیر شد و مورد اذیت قرار گرفت. یس از آن دو نفر از همکاران او که برای با خبر شدن از وضع وی مراجعه کرده بودند نیز دستگیر شدند. اما با مراجعه مردم و تجمع آنها این سه نفر همان شب از زندان آزاد شدند.

- از اول صبح روز اول مه در شهر

با قرائت قطعنامه کمیته پیگیری و پخش سرود انترناسیونال پایان گرفت.

- روز اول مه جمع قابل توجهی از کارگران ایران خودرو در مقابل وزارت کار دست به تجمع زدند و میتینگ اول مه را در آنجا برگزار کردند و خواستار رسیدگی به خواستههایشان از جمله افزایش دستمزدها و لغو استخدامهای قراردادی شدند. در این روز همچنین کارگران شرکت اتوبوسرانی واحد در مقابل مجلس دست به تجمع زدند. هیات موسس سندیکایی شرکت واحد نیز در خیابان کارگر با حضور ۲۰ نفر مراسمی برگزار کرد.

- روز اول مه کارگران آب و فاضلاب نور تهران در محلی نرسیده به خیابان ستارخان به مناسبت اول مه تجمع داشتند.

- از ساعت ۱۰ صبح روز اول مه (۱۱ اردیبهشت) به فراخوان کمیته اول مه در سنجند بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران در مقابل اداره کار این شهر تجمع کردند. نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی مانع پیوستن مردم به این تجمع و سخنرانی کارگران شدند و به کارگران گفتند که در مراسم دولتی در سالن فجر شرکت کنند. کارگران تا محل سالن فجر دست به راهپیمایی زدند که یک ساعت بطول انجامید. کارگران با خود پلاکاردهایی در گرامیداشت این روز و از جمله پلاکارد با مضمون کارگران جهان متحد شوید و پلاکاردهای بزرگی در حمایت از مطالبات کارگران کاشان و فیلور که خواهان ۴۵۰ هزار تومان حداقل دستمزد بودند، همراه داشتند. در مسیر راه قطعنامه کارگران توسط یکی از فعالین کارگری به اسم محمد نعمتی خوانده شد و در انتها دو نفر از کارگران سخنرانی کردند.

- عصر روز اول مه کارگران در کرمانشاه به دعوت کمیته پیگیری تشکیل های کارگری برای بزرگداشت اول مه در محل پارکینگ شهرداری این شهر تجمع کردند. نیروهای انتظامی مانع مراسم و سخنرانی فعالین کارگری شدند. اما بیش از دو هزار نفر در این میتینگ جمع شده و حدود یک ساعت و نیم در محل تجمع داشتند. قطعنامه کمیته پیگیری و تراکتی درمورد حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان در میان حاضرین پخش شد.

- در اول مه در شرکت نفت در اصفهان برای اولین بار اول مه از سوی مدیران و مقامات به رسمیت شناخته شد و به مدت دو ساعت کار متوقف شد و با پخش شیرینی در قسمت های مختلف کارخانه، کارگران روز جهانی کارگر را رسماً گرامیداشتند.

- در شهر سقر قرار بود، در روز اول

تبریز در سالن کارگران از طرف خانه کارگر و شورای اسلامی کارخانجات جمعی با حضور ۲۰۰۰ نفر برگزار شد. در این مراسم در تقابل با خانه کارگر و شوراها اسلامی قطعنامه ای از سوی کارگران در ۹ بند پخش گردید که در آن بر حق تشکل، حق اعتصاب، حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان، بیمه بیکاری و به میزان حداقل ۴۵۰ هزار تومان و حق آزادی بیان و دیگر خواستهها تاکید شده بود. تجمع با شعارهایی درمورد اول مه و در محکومیت خانه کارگر و شوراها اسلامی به پایان رسید.

- روز جمعه ۹ اردیبهشت (۲۹ آوریل) بیش از هزار نفر از کارگران و خانواده هایشان از کارگران کارخانه های سایپا، ایران خودرو، صنایع آموزشی و پارس خودرو، و تعداد دیگری از مراکز کارگری تهران و کرج و برخی شهرهای دیگر در آبشار خور واقع در جاده چالوس گرد آمدند و مراسم اول مه را برگزار کردند.

- روز جمعه ۹ اردیبهشت ۶۰ نفر از کارگران پتروشیمی بیستون در کرمانشاه مراسمی در گرامیداشت روز جهانی کارگر برگزار کردند.

- روز ۱۰ اردیبهشت از ساعت ۲ تا ۶ بعد از ظهر تجمعی در دانشگاه علوم سیاسی در تهران برگزار شد. دو تن از فعالین کارگری به نام جعفر عظیم زاده و برهان دیوارگر و یکی از دانشجویان بنام بهروز کریمی زاده سخنرانی کردند. در این تجمع قطعنامه کمیته پیگیری پخش گردید که در آن خواهان حق تشکل، حق اعتصاب، لغو استخدامهای قراردادی، افزایش دستمزدها متناسب با تورم، محکوم کردن تحریکات قومی، ملی و مذهبی و محکومیت اخراج کارگران افغان از ایران خوانده شد.

- روز اول مه به دعوت خانه کارگر و شوراها اسلامی بین ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر در استادیم ورزشی آزادی در تهران جمع شدند. کارگران با اعتراض و ترک سالن مانع سخنرانی رفسنجانی شدند و مراسم به شعار دادن علیه رفسنجانی تبدیل شد. در استادیم آزادی تراکت های مربوط به خواست ۴۵۰ هزار تومان دستمزد در قدم اول پخش شد و در مصاحبه با صدا و سیما جمهوری اسلامی، یکی از کارگران بر روی این خواست تاکید گذاشت و مورد استقبال جمعیت پیرامون خود قرار گرفت.

- روز اول مه مراسمی به دعوت کمیته پیگیری تشکل های آزاد کارگری در سینما فردوسی تهران با حضور ۲۰۰ نفر از ساعت ۵ تا ۸ شب مراسمی برگزار گردید. بهرام عابدینی، جعفر عظیم زاده، و بهروز کریمی زاده از جمله سخنرانان این مراسم بودند. این مراسم

به هر کدام از کارگران مبلغ ۱۰۰ هزار تومان میپردازد و مابقی حقوق آنان بعداً پرداخت خواهد شد. اما کارگران نپذیرفتند. سرانجام کارفرما متعهد شد که تا هفته آینده دستمزد معوقه دو ماه را پرداخت کند. کارگران موقتاً به اعتصاب خود خاتمه دادند.

- روز ۱۴ اردیبهشت یک کارگر در شرکت میل سازی سنندج در محله فیض آباد هنگام کار دستش قطع شده است. این کارگر در بیمارستان سنندج بستری شد. اما روز بعد به او اعلام کردند که خودش باید هزینه دکتر و دارو را پرداخت کند و او در ۱۶ اردیبهشت ناچاراً بیمارستان را ترک کرد.

- یکروز مانده به اول ماه مه در کارخانه کشتی سازی بهشهر که حدود ۱۵۰۰ کارگر دارد، طومار اعتراضی با خواست حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان به جریان افتاد. ۶۰۰ نفری از کارگران طومار را امضا کرده بودند که این اقدام با مخالفت شدید انجمن اسلامی مواجه و متوقف گردید.

- بنا به گزارشی در ۵ اردیبهشت، ۱۳۰۰ نفر از کارگران سدهای در حال احداث استان کرمانشاه از ۲۰ اسفند در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود، دست به اعتصاب زدند و بیش از یکماه و نیم است که در حال اعتراض و اعتصاب بسر میبرند. این اعتصاب کارگران سدهای سلیمان شاه در شهر سنقر، سد گواشان در کامیاران و سد و تونل زاگرس واقع در گیلانغرب را شامل میشود.

- در هفته اول اردیبهشت کارگران کارخانه فیلور (Filver) در تهران، واقع در جاده احمدآباد به طرف شهریار، که تولید کننده یخچال و فریزر است و ۲۰۰۰ کارگر دارد، با خواست افزایش دستمزدها تا ۴۵۰ هزار تومان دست به اعتصاب زدند. این اعتراضات همچنان ادامه دارد.

- روز سه شنبه ۶ اردیبهشت شهرداری مهاباد تعداد ۵۰ نفر از کارگران قرارداد سفید امضا را از کار اخراج کرد. در طول فروردین ماه کارگران خدماتی شهرداری مهاباد در اعتراض به اخراجها و دستمزدهای پرداخت نشده خود تجمعات متعددی در مقابل خانه کارگر و شهرداری انجام دادند. کارگران نامه ای اعتراضی به استاندار ارسال کرده و اولتیماتوم دادند که چنانچه تا ۱۰ اردیبهشت پاسخی به آنها داده نشود به همراه خانواده هایشان در مقابل استانداری تجمع خواهند کرد.

اخباری از برگزاری اول مه امسال

- روز چهارشنبه ۷ اردیبهشت، در شهر

**A Biweekly Publication of the Worker-communist Party of Iran
on the Working Class Movement Issues****دولت و روبنای سیاسی**

استبدادی، ابزار اعمال دیکتاتوری طبقه یا طبقات حاکم است.

در هر نظامی، حتی در خشن ترین برده داریهای اعصار گذشته که در آن تعلق طبقاتی دولت پنهان نمیشد، طبقه حاکم نیاز داشته است مبنایی برای مشروعیت دولت خود بدست بدهد. سلطنت و حکومت موروثی، حکومت اشرافیت، حکومت مذهبی و الهی، قالب هایی برای این کسب مشروعیت بودند. در جامعه سرمایه داری، جامعه مبتنی به بازار که در آن کارگر و سرمایه دار عناصری "آزاد" تصویر میشوند که علی الظاهر پا به مبادله ای داوطلبانه و برابر میگذارند، حق رای و پارلمان و نظام انتخاباتی قالب اصلی کسب مشروعیت برای حاکمیت طبقاتی بورژوازی است. ظاهر مساله اینست که دولت ابزار حکومت همه مردم است و با رای مستقیم خود مردم تشکیل میشود. حق رای، انتخابات و پارلمان قطعاً از نظر تاریخی دستاوردهای مهمی در تلاش مردم کارگر برای گسترش حقوق مدنی خویش محسوب میشوند. بدیهی است که زندگی در یک نظام لیبرالی بورژوازی به مراتب از زندگی در یک رژیم پلیسی و استبدادی قابل تحمل تر است. اما این قالبها نمیتوانند ماهیت طبقاتی دولت معاصر را پنهان کنند. توده وسیع مردم کارگر حتی در پیشرفته ترین، با ثبات ترین و آزاد ترین نظامهای پارلمانی، از کمترین قدرت تاثیر گذاری بر سیاستها و اقدامات دولت برخوردارند. نظام پارلمانی توانسته است با اعمال خشونت کمتر و با دست بدست کردن مقامات دولتی میان بخشهای مختلف طبقه حاکم از مجرای انتخابات عمومی دوره ای، حاکمیت بی چون و چرای کل بورژوازی بر حیات سیاسی و اقتصادی جامعه را تضمین کند. دموکراسی پارلمانی نه مکانیسمی برای دخالت مردم در امر حاکمیت، بلکه ابزاری برای کسب مشروعیت برای حاکمیت و دیکتاتوری طبقه بورژواست.

سخنگویان جامعه بورژوازی چنین قلمداد میکنند که دولت یک نهاد ضروری است که برای اداره جامعه بر مبنای منافع عمومی و مشترک کل اعضای جامعه شکل گرفته است. نهادی که گویا اراده جمعی مردم را منعکس میکند و قدرت مشترک اعضای جامعه را به عمل در میآورد. گفته میشود که قوانین حاکم مجموعه ای از اصول بدیهی و طبیعی و مورد توافق آحاد جامعه اند و دولت ضامن و مجری این قوانین است. تصویر کردن دولت بعنوان یک نهاد مستقل و مافوق منافع طبقاتی متضاد درون جامعه، یک رکن اساسی ایدئولوژی بورژوازی است. این تلقی از دولت بویژه در کشورهای پیشرفته غربی که نظام پارلمانی با ثبات تری داشته اند ریشه قوی تری در میان مردم دارد. اما در کشورهای عقب مانده تر هم، علیرغم حاکمیت دولتهای استبدادی و پلیسی، و علیرغم بدبینی عامه به دولتهایی که بر سر کار هستند، نفس لزوم دولت مورد سوال نیست و تلقی مردم از دولت بعنوان نهادی که وظیفه مدیریت جامعه را برعهده دارد به همان درجه قوی و ریشه دار است. گسترش نقش اقتصادی دولتها و بویژه دخالت آنها در قلمرو خدمات اجتماعی و مدیریت و کنترل اقتصادی در چند دهه اخیر بشدت بر دامنه این توهومات افزوده است.

واقعیت اینست که دولت مهم ترین ابزار طبقه حاکمه برای تحت انقیاد نگاهداشتن توده های تحت استثمار است. تاریخا ظهور دولت حاصل بوجود آمدن استثمار، پیدایش طبقات و تقسیم جامعه به طبقات استثمارگر و تحت استثمار بوده است. علیرغم همه پیچیدگیها در ساختمان دولتهای امروز، دولت همچنان دستگاهی برای اعمال زور است و ارتشها و دادگاهها و زندانها شالوده اساسی آن را تشکیل میدهند. دولت قوه قهریه سازمان یافته طبقه حاکمه است. دولت ابزار اعمال حاکمیت طبقاتی است. هر دولتی، مستقل از هر فرم و ظاهری که بخود پذیرفته باشد، چه سلطنت و چه جمهوری، چه پارلمانی و چه

از "یک دنیای بهتر"، برنامه حزب کمونیست کار گری